نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال دهم - شماره ۴۸۹ - یکشنبه ۵ اسفند ۱۳۸۶ - ۸ صفحه - ۱۵۰ تومان



بوشهر، پارس جنوبی و لابی های قدرت

دکتر پرویز حاجیانی
استاد دانشگاه

صفحه ۸



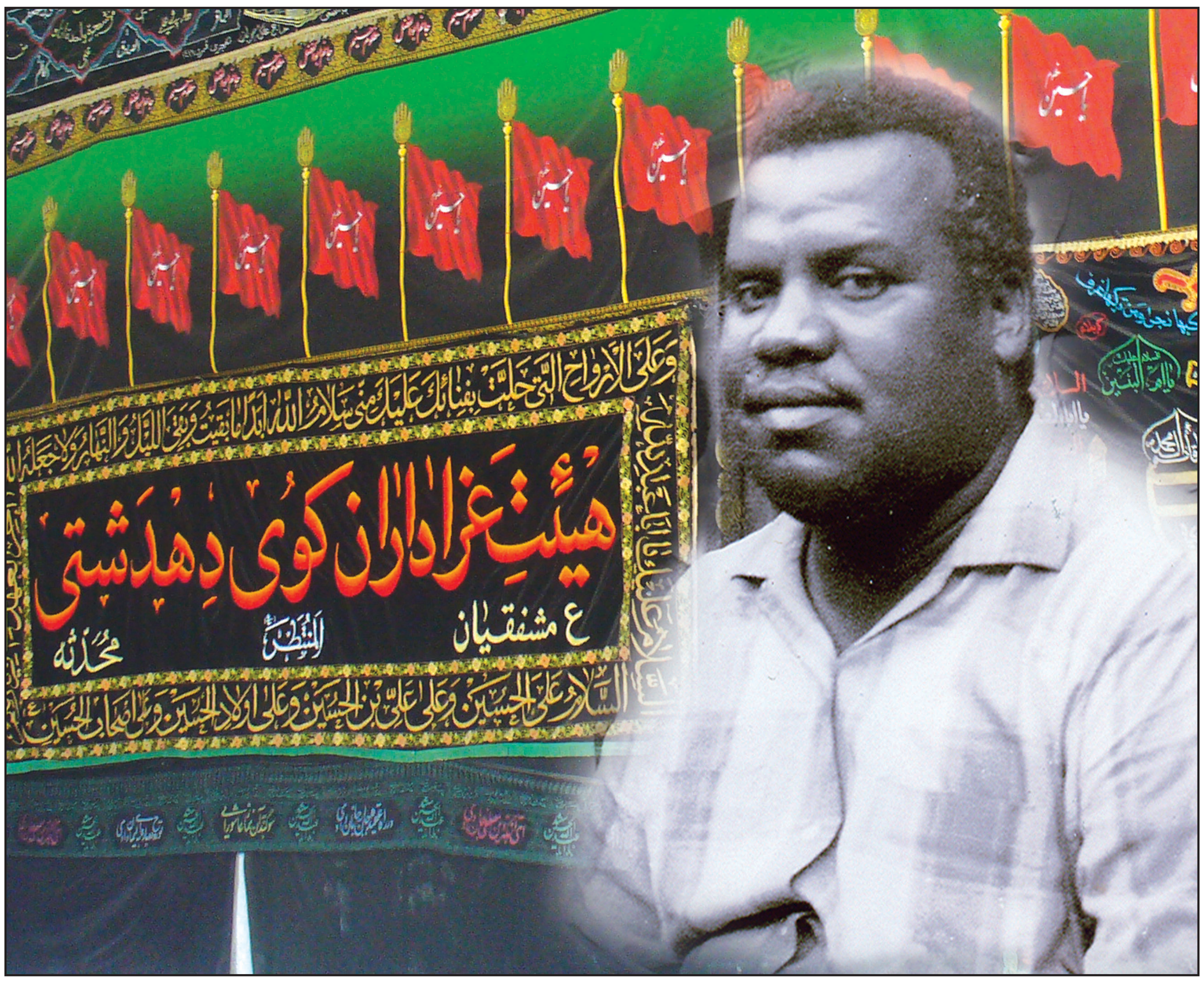
در پی پخش شایعه برکنار دکتر رضوی

مخالفت شدید با تغییر مدیرعامل بومی پارس جنوبی

صفحه ۸

بخشو، صدای واحد از سینه های عاشق

ویژه نامه نسیم جنوب به مناسبت سی امین سالگرد در گذشت بخشو - نوحه خوان جاودانه بوشهر



۱۱ کاندیدای تایید صلاحیت شده جدید در استان بوشهر

اسامی ۳۹ کاندیدای تایید صلاحیت شده مجلس در استان بوشهر

در آخرین مرحله از اعلام اسامی کاندیداهای انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی اسامی تایید صلاحیت شدگان استان بوشهر اعلام شد. این اسامی به این شرح است:
حسن قایدزاده (بوشهر و گناوه و دیلم) - مجید حسینی کنگانی (دیر و کنگان و جم) - کامبیز یوسفی (دیر و کنگان و جم) - علی کرمی (دیر و کنگان و جم) - بهمن بهزادی (بوشهر و گناوه و دیلم) - محمد کاظم حق‌شناس (بوشهر و گناوه و دیلم) - احمد خواجه‌گیری (بوشهر و گناوه و دیلم) - علی کولیوند (بوشهر و گناوه و دیلم) - سید حجت علوی (دشتستان) - جوانشیر کدخداپور (دشتستان) - عسکر جلالیان (دیر و کنگان و جم).
قبل از این نیز جمع دیگری از کاندیداها توسط هئیت اجرایی و هئیت نظارت تایید صلاحیت شده بودند که تعدادی از آنها عبارتند از :
حوزه انتخابیه بوشهر گناوه و دیلم: غلامعلی میگلی نژاد - علیرضا یزاف - حجت الاسلام باغچه بان - مهندس عبداله پرور - عبدالکریم جمیری- صفر دارابی- شریعتی فرد - سید حسن موسوی - دکتر سید کریم موسوی.
حوزه انتخابیه دشتستان : دکتر شجاع - اسکندری - ایوب پاپری - ایرج زاده - دکتر مهدوی - مهندس مهدی یوسفی .حوزه انتخابیه دشتی و تنگستان : حجت الاسلام پورفاطمی - - عباس علوی نژاد - ابراهیمی - مهندس اتیار - حسین نژاد - حیدری - دولاح - قطب الدین - نادری زاده - نمازی.
حوزه انتخابیه دیر و کنگان و جم : حجت الاسلام حاجیانی - قیصر صالحی - شیخ موسی احمدی.

مصاحبه مطبوعاتی استاندار، معاونین و مدیران کلیدی استان با خبرنگاران بوشهر:

نباید از تخریب دیگران، نردبانی برای بالا آمدن خود ساخت

تنها صداست که می ماند...

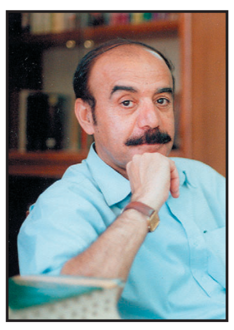
دکتر جعفر حمیدی



صفحه ۴

صدایی دراعماق تاریکی پشت پوست

احمد آرام



صفحه۳

اسر مربی تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی:

یک بوشهری شاهین را شکست داد!



صفحه۷

نسیم جنوب
شماره ۴۸۹ یکشنبه ۵ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

مصاحبه مطبوعاتی استاندار، معاونین و مدیران کلیدی استان با خبرنگاران بوشهر:

نباید از تخریب دیگران، نردبانی برای بالا آمدن خود ساخت

چهارشنبه هفته گذشته توسط شورای اطلاع رسانی استان بوشهر و خانه مطبوعات، جلسه پرسش و پاسخ روزنامه نگاران با استاندار، معاونین و مدیران کلیدی دستگاههای اجرایی استان برگزار شد.

علی افراشته در جمع خبرنگاران از همه مطبوعات و اهل قلم و اندیشه و حضور به خاطر همراه های شان در نگاه نقادانه ای که در مسیر توسعه استان دارند تشکر نمود و اظهار داشت: انشاء الله قرار شد که با یک برنامه زمان بندی تعریف شده در شورای اطلاع رسانی، مدیران را دعوت کنیم و دوستان مطبوعاتی حضور پیدا کنند تا به لحاظ عملکرد تشکیلاتی و سیستمی یک ارتباط دو سویه و هدفمندی وجود داشته باشد.

از جهت این که پاسخگوئی به مطبوعات به عنوان یک وسیله و پل ارتباطی مطمئن بین مردم، مسئولین و برای انعکاس مشکلات و حل چالش های که پیش رو داریم، حتما مدیران ما در همه فرصت هایی که انشاء الله در مقابل مطبوعات قرار می گیرند و موضوعی را برای مردم باز کنند پاسخگو خواهند بود و غیر از فضای رسمی جلسات، این جلسات قرار است با همکاری شورای اطلاع رسانی و خانه مطبوعات دارد ادامه پیدا کند.

استاندار بوشهر درباره مطبوعات و رسانه‌های این استان گفت: رسانه‌ها و مطبوعات به عنوان پل ارتباطی بین مردم و مسوولان نقش مهم و موثری در حل مشکلات و زمینه‌سازی توسعه این استان ایفا کرده‌اند.

افراشته افزود: مدیران باید از فرصت مطبوعات و رسانه‌ها در راستای اطلاع رسانی و پاسخگویی به سوالات خبرنگاران استفاده کنند.

در این جلسه که ۴ ساعت به طول انجامید، خبرنگاران سوالات خود را طرح که توسط استاندار و مدیران کل به آنها پاسخ گفته شد.

استاندار: تشکیل خانه کتاب و نویسندگان در عمارت مصلحیان

متاسفانه کسی برای ساخت و ساز کاری را شروع کرده که به فضایی که در اختیار امور کتابخانه ها و انجمن اهل قلم بود، خسارتی وارد آمده، به همین دلیل دوستان مجبور شدند آن را تعطیل و مورد تعمیر قرار دهند، دوستان ما در حوزه اندیشه و قلم و نویسندگان عزیز در این بخش در استان قدری به ما فرصت دهند، قرار شده کار جدیدی را انجام دهیم و آن هم خانه کتاب و ایجاد فضائی که شاید در نوع خودش منحصر به فرد باشد و برای اولین بار این کار صورت می گیرد که کتابخانه مصلحیان را به خانه کتاب نویسندگان استان تبدیل کنیم. برآورد مالی هم شده و به زودی تعمیرات آن آغاز خواهد شد و پاتوقی برای تجمع نویسندگان شده و انجمن اهل قلم نیز می تواند کار تخصصی کند کسانی که استعداد و زمینه دارند تربیت کنند و هم جلسه ای برای دور هم جمع شدن و بنده این پیشنهاد را پیشنهاد خوبی می دانم.

هاشمی معاون سیاسی استانداری: با گروهای سیاسی و مطبوعات تعامل برقرار خواهیم کرد

هاشمی معاون سیاسی استانداری نیز گفت: بنده خودم را تابع محض ولایت می دانم و او را در هیچ شخص و گروهی نمی دانم بعضی ها می گویند ما ذوب در ولایت هستیم اما من چنین هنری ندارم که بتوانم ذوب در ولایت باشم. ذوب در ولایت باید تشریح شود که اگر گفتند برو در تنور آتش هم راحت بری و من بعید می دانم بتوانم چنین کاری کنم، اما تابع ولایتم به آن معنا که نظر ولایت بر نظر خودم ترجیح می دهم. بنده در جمعی هستم که همه اهل رسیدن به معرفت هستند. هاشمی سپس با قرائت سخنانی از مقام معظم رهبری اظهار داشت: هر دیدگاهی که داشته باشیم معتقدیم که همه جریان های سیاسی خودی در دایره نظامی قرار دارد و همه دارای ارزش هستند و با این دیدگاه بنده حقیر در جایگاه معاونت سیاسی گروه های سیاسی خودی را می بینم و به همین روش کار را آغاز کردم و در برنامه کاری ام هست با تعاملی که با گروهای سیاسی و مطبوعات برقرار خواهیم کرد و همه را با یک دید می بینیم

وی افزود: من معتقدم که در استان کارهای بسیار بزرگی صورت گرفته اما به دلیل این که وحدت ما خدشه دار شده نتوانسته خوب خودش را نشان دهد. امیدواریم که انشاء الله با همکاری شما و همراهی و نقد منصفانه شما بتوانیم به نحو مطلوب بر سر منزل مقصودبرسانیم.

در انتخابات باید بتوانیم امانت داری خوبی برای مردم باشیم

معاون سیاسی استاندار در خصوص فرآیند در نظر گرفته شده در زمینه انتخابات حضور حداکثری در انتخابات گفت: برای ما چند نکته بسیار مهم است اول این که بتوانیم امانت داری خوب برای مردم باشیم یعنی یک اطمینان خاصی برای ادامه کار به وجود بیاید دوستان استحضار دارند که در بحث نظارت بر رای مردم هیئت های محترم نظارت، نظارت کامل دارند و هم وزارت کشور مکانیزمی را تهیه کرده، جناب کرمی به عنوان رئیس ستاد بازرسی نقش بازرسی را در صندوق های رای ایفا خواهد کرد و هم نمایندگان کاندیداهای محترم می توانند بر سر صندوق های رای حضور یابند. توصیه ما هم به فرمانداران محترم این است که در نحوه کار به نوعی که متولی اجرایی کارهستند سعی کنند از کسانی استفاده کنند که منصف و متعادل باشند و علاقه مند به دخل و تصرف در رای مردم نباشند. برای این کار کمیته های هفت گانه ای را طراحی کردیم کمیته آموزش، حقوقی پشتیبانی، امنیتی، اطلاع رسانی و تبلیغات که همه این ها وظایف خودشان را انجام می دهند.

امیدواریم که انشاء الله با حضور حداکثری و با نشاط و شادمانی، انتخابات خوبی را داشته باشیم و بتوانیم رضایت مردم را برآورده کنیم

طرح این موضوع در آستانه سفر ریاست جمهوری پسندیده نبود

استاندار بوشهر در پاسخ به اعتراض یکی از خبرنگاران در خصوص برخورد نامناسب با خبرنگاران بوشهری در سفر رئیس جمهور گفت: در سفر محترم ریاست جمهور یا سفرهایی از این دست خیلی مسئولین استانی نمی توانند در جزئیات ورود پیدا کنند شرایط خاص سفر و مسائل امنیتی ویژه ای دارد و خیلی چیزها در آن شرایط دست ما در تصمیم گیری ها نیست، من هم که اصلا فرصت پرداختن به این مسائل را ندارم به لحاظ این که از آغاز تا پایان سفر همراه رئیس جمهور بودم. در جریان سفرهای استانی رییس جمهور، استانداری در این جزئیات قرار ندارد. حتی در مورد اینکه جلسه هیأت دولت در کدام سالن استانداری برگزار شود میان ما و مسئولان نهاد ریاست جمهوری اختلافاتی بود که نهایتاً برای حل شدن موضوعات به بچه های استانداری گفتم هر جا که خودشان انتخاب کردند، جلسات کار گروهها، هیات دولت و نشست مطبوعاتی در آن جا برگزار شود.

وی با اشاره به چاپ نقشه ای از هواپیمایی کشوری در نشریات بوشهر که در آن عسلویه جزو استان فارس شده بود گفت: طرح این موضوع در آستانه سفر ریاست جمهوری پسندیده نبود. برداشت من این بود که کار حساب شده و ویژه ای برای یک اتفاق دیگری است و تهدید به شکایت هم نشد، هیئت همراه تاکید می کرد که در این زمینه شکایت کنیم اما موردهایی وجود داشته که بنده پادرمیانی کردم و قضیه را جمع کردم، من به عنوان یک بوشهری این کار را در آن شرایط به این شکل مفید نمی دانستم و می شد این مشکل را به شکل دیگری حل کرد چون ما باید ایجاد امید کنیم اگر یک مورد ایجاد یاس و امیدی کند، به نظر من در مسیر توسعه کار مناسبی نیست.

از دکتر رضوی حمایت می کنم

استاندار بوشهر در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران در خصوص شایعه برکناری و تغییر رضوی مدیر عامل بومی پارس جنوبی گفت: عملکرد مدیر عامل منطقه اقتصادی- انرژی پارس جنوبی و تعامل دکتر رضوی با استان درخشان بوده و ما از این مدیر بومی حمایت می کنیم. بنده هم در این زمینه جسته و گریخته خبرهایی را شنیدم، اما پیگیری های من نشان می دهد این خبرها واقعیت ندارد. خبر تغییر دکتر رضوی خوابی بوده که عده ای آن را دیده اند و صبح در سایت های اینترنتی به انتشارش اقدام کرده اند!

تاکید بر رشد کیفی و کمی در کنکور

یکی از خبرنگاران با اظهار تاسف از عدم حضور عباسی مدیرکل آموزش و پرورش در این جلسه به برخورد نامناسب وی با خبرنگاران اشاره نمود و عدم پاسخگویی وی در قبال وضعیت اسف انگیز کنکور در بوشهر را مورد پرسش قرار داد. کرمی معاون پشتیبانی و منابع توسعه انسانی استانداری در این زمینه گفت: تاکید برنامه ما برای کنکور به دو شکل است گونه ای که هم رشد کیفی را داشته باشیم و رشته های مورد نیاز استان را داشته باشیم و هم رشد کمی را از لحاظ عددی در حضور را افزایش دهیم.

تخلفات انتخاباتی را پیگیری می کنیم

کرمی در ارتباط با حسن برگزاری انتخابات گفت: وزارت کشور در کنار شورای محترم نگهبان و هیئت نظارت استان ها و شهرستان ها یک مکانیزیم درون سازمانی را پیش بینی کرده تحت عنوان ستاد انتخابات. که این ستاد بازرسی انتخابات از بدو شروع فعالیت هیئت اجرایی در همه شهرها و بخش ها به وجود آمده و دفاتری را در نظر گرفتند و افراد مشخص مشغول به کار شدند. وظیفه اصلی ستاد بازرسی، نظارت بر حسن اجرای انتخابات هست و به تعبیری صیانت از رای مردم است و هر گونه تخلفی چه از خود مسئولین، هیئت های اجرایی و چه از کاندیداها و یا گروه های هوادار صورت گیرد در قانون برای آن تعریفی صورت گرفته و موارد تخلف را مطرح کرده و جرائمی در نظر گرفته شده که ابتدا به خود کاندیدا تذکر داده می شود، در وهله دوم به فرماندار حوزه انتخابی کتبا اعلام می شود. در مرحله سوم شعبه ویژه ای در دادگستری در نظر گرفتند که به عنوان مجرم به آن شعبه معرفی می کنند. ۵۵۵۳۸۶۰ شماره تلفنی است که عزیزان می توانند هر گونه تخلفی ارتباط با کاندیداها اعلام کنند. و ما پیگیری می کنیم ضمن این که تاکید داریم در فضایی آرام و رقابتی سالم پیش رود قصد ما این نیست که شیوه ای را بخواهیم که فضا را بر هم بزنیم ولی اگر کسی بخواهد از چارچوب قانونی خودش عبور کند برخورد خواهیم کرد.



افراشته در پاسخ به سوالی در خصوص بیمارستان ساخته شده در جزیره خارگ گفت: اگر بیمارستان نفت تائید کند درمان کسی در جزیره خارگ و در بیمارستان نفت میسر نیست نیمه های شب و در شرایطی که آمدن به مرکز استان حتما باید با بالگرد صورت گیرد، شرکت نفت این کار را انجام می دهد کما این که بارها انجام داده اما این که ما بخواهیم در جزیره خارگ بیمارستان درست کنیم منطقی نیست و نه امکانات درمانی را تامین کنیم مضاف بر این که بیمارستان نفت در آن جا در حال ساخته شدن است. انشاء الله در مورد خارگ که دغدغه شماست با این توافقنامه با نفت غالب بر ۷۰ میلیارد تومان ارزش این مصوباتی است که در این سفر آمده شده و انشاء الله که این دغدغه رفع شود.

اجازه نمی دهیم رای مردم خدشه دار شود

هاشمی در پاسخ به سوالی درباره خصوصیات انتخابات آزاد گفت: آیا انتخاباتی که در گذشته داشتیم غیر آزاد بود؟ ما معتقدیم که کاندیداهای که شرایط داوطلبی و کاندیداتوری را داشته باشند و از فیلتر شورای نگهبان بگذرند و رای لازم را از مردم بگیرند نماینده ما هستند و قابل احترام اند با هر گرایش فکری که باشند. اما این که چه ساز و کارهایی فراهم شده باید بگویم که تمام توان و همکاری را هم در هیئت های اجرایی و هم در هیئت های نظارت و هم بازی وزارت کشور به دنبال این هستیم اجازه ندهیم رای مردم خدشه دار شود.

حفظ و نگهداری منزل عبدالرحیم جعفری امکان پذیر نبود

یکی از خبرنگاران درباره تخریب منزل عبدالرحیم جعفری پیر مطبوعات بوشهر سوال کرد که دکتر دشتی مدیرکل میراث پاسخ داد:تخریب بناهایی که فاقد احیاء و مرمت هستند با اجازه کمیته فنی تهران صورت می گیرد و از کنترل ما خارج است و ما از آن دفاع می کنیم و برای مرمت فوق العاده حساس هستیم. در بحث مرمت و احیاء یک اختیاری ما در استان داریم منتهی تمام امتیازات ما تحت الشعاع کمیته فنی در تهران است یعنی مرمت یا تخریب بنا به دستور نهایی زیر نظر معاونت حفظ و احیاء تهران است. مرحوم جعفری دو ساختمان دارد یکی در کنار ساحل و یکی در ابتدای خیابان انقلاب و پس از بررسی های لازم بر روی ساختمان دوم به این نتیجه رسیدیم که حفظ و نگهداری آن برای ما امکان پذیر نیست و حداقل ۲۰۰ میلیون تومان برای حفظ و نگهداری چنین ساختمان هایی نیاز است.

نباید از تخریب دیگران، نردبانی برای بالا آمدن خود ساخت

استاندار بوشهر در پاسخ به سوال خبرنگاری که عمملکرد مدیران استان را ضعیف دانست گفت: از تلاش همه مردم که بعد از انقلاب در این استان کار کردند تشکر کردم و باورم این است که هر کسی بر مبنای فرصتی که داشته و فضایی که در آن قرار گرفته و حمایتی که مردم و رسانه ها و مجموعه عوامل به کار گرفتند توفیقاتی حاصل شد.

اگر نکته ای را می گوییم به معنای این نیست که کسی را زیر سوال ببریم و نباید از تخریب دیگران، نردبانی ساخت برای بالا آمدن به نفع خود. اگر رئیس جمهور اعلام می کنند که بالغ بر ۹۲ درصد از مصوبات اجرا شده به نظر شما این مصوبات را چه کسی انجام داده؟ کارهای بزرگی در استان انجام گرفته چرا ما خدمات کارمندان دستگاه های دولتی ، مدیران استان و تلاش خود را نادیده می گیریم. یکی از مصوبات سفر اول، مطالعه راه آهن است و هم اکنون در حال اجرایی شدن است، ۹۰ کیلومتر پیمانکار قرارداد بسته و ۷۵۰ میلیارد تومان اعتبار این مصوبه است و این اقدامی است که مدیران استان کردند. بروید اسناد را در سازمان مدیریت و برنامه ریزی نگاه کنید اعتبارات استان در ۳ دوره برنامه ریزی استان یعنی ۱۲سال ۴۳۰ میلیارد تومان بوده، یک قلم امصوبه اکنون بالغ بر ۱۲ سال اعتبار استان است. پروژه گاز رسانی استان به سرعت پیش می رود به تعداد ۵ شهر گازرسانی شده، عملیات ۶ شهر دیگر نیز در حال انجام است. من نمی خواهم بگویم در کارمان ضعف نداریم، ضعف فراوان است شهر بوشهر یک شهر کم درآمدی است، درآمد آن برای هزینه ها پاسخگو نیست و این طور نیست که برای سفر رئیس جمهور کارها سرعت گرفته باشد، خود من بارها از مدیرانم ایراد گرفتم و به انتقاد کردم.

۱۷۷ مصوبه و ۹ تفاهم نامه در سفر دوم رئیس جمهور

استاندار بوشهر گفت: هیات دولت در دومین سفر استانی خود به استان بوشهر ۱۷۷ مصوبه و ۹ تفاهم نامه داشته‌است.

به‌گزارش ایرنا، علی‌افراشته افزود: اگرچه رییس جمهوری درمصاحبه مطبوعاتی پایان دومین سفر استانی به بوشهر شمار مصوبات این سفر را بصورت کلی ۱۰۰ مورد اعلام کرد اما در واقع برخی مصوبات این سفر خود شامل چند مصوبه است.

وی اضافه کرد: ۱۷ درصد ازمصوبات سفر دوم رییس جمهوری و هیات دولت به استان بوشهر مربوط به آموزش و پرورش است.

استانداربوشهر گفت:در این سفر حدود ۴۰میلیارد ریال برای تکمیل و تجهیز مدارس ساخته شده توسط خیرین مدرسه ساز دراین استان اعتبار گذاشته شده‌است.

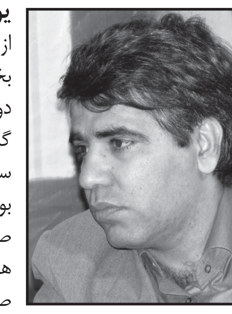
افراشته اظهارداشت:همچنین دراین سفر برای جزیره خارک یک مصوبه به امضا رسید که در واقع شامل ۱۹ بند و مصوبه در زمینه رفع مشکلات آب، برق، جمع آوری فاضلاب، خرید دو شناور برای حمل و نقل مردم، استخر سرپوشیده و اورژانس هوایی برای انتقال بیماران است. وی درخصوص رفع مشکلات بافت قدیم شهرهای بوشهر و سیراف گفت: اختصاص ۱۱۰ میلیارد ریال برای ساماندهی بافت قدیم شهرهای بوشهر وسیراف ازدیگر مواردی است در دومین سفر رییس جمهوری و هیات دولت به استان بوشهر به تصویب رسید.

استاندار بوشهر بیان کرد: در بخش تربیت بدنی چهار مصوبه شامل احداث سالن دو و میدانی و ۱۸سالن ورزشی، احداث اسلکه قایقرانی و تکمیل استادیوم ۱۵ هزار نفری بوشهری با ۴۵ میلیارد ریال در سفر دوم هیات دولت برای توسعه زیرساخت‌های ورزش این استان به تصویب رسیده است.

وی افزود: دربخش اقتصاد و دارایی نیز در دومین نشست استانی هیات دولت در بوشهر ۱۴مصوبه تصویب شد که مهمترین آن تمدید معافیت ۱۵درصدی سود بازرگانی برای گمرک بوشهر و تلاش برای تعمیم آن به همه گمرکهای این استان در امسال است.

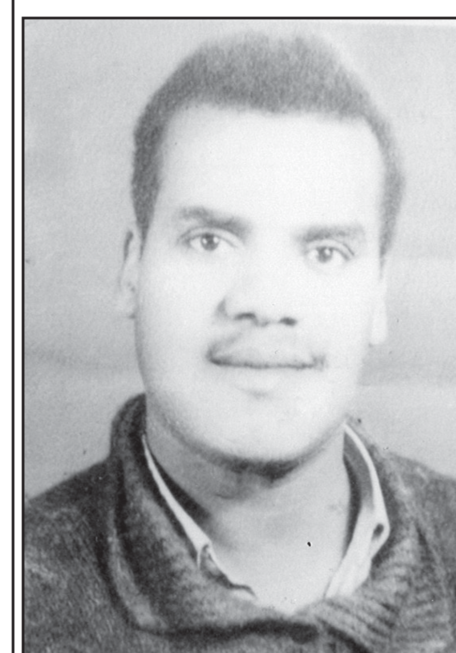
سلامی و کلامی

هنوز آن صدا زنده است ...



یونس قیصی زاده ـ بعد از گذشت سی سال از مرگ بخشو، بوشهری ها هنوز او را دوست دارند و صدای حزین و گرمش هنوز زنده است. سی سال پیش نوحه خوان معروف بوشهر در خاک خفت اما صدایش سی سال است که هنوز به جسمش نپیوسته، صدایی که با آن هزاران نفر عزادار در غم پیامبر اسلام بر سینه می زدند، در مظلومیت سالار شهیدان محزون می شدند و به عشق امام رضا به سوی مشهد روانه می شدند.

صدایی که سال ها در کوچه های تنگ و باریک بوشهر خبر آمدن موسم فغان پیامبر داشت و ما را به محشر ماتم آن فخر بشر ختم رسولان می برد، صدایی که سال ها از ستم و جور و جفای پسر ملجم کافر برای ما حکایت نمود که چگونه زشمشیر به محراب نماز دو جا کرد تارک مولای جهان حیدر کرار، صدایی که بوشهری ها را از مدینه به سوی توس روان می کرد و ما را در صف وداع حضرت رضا می نشاند، صدایی که بوشهری



ها را به کنار شط فرات می برد آن زمان که ابوالفضل رسم وفاداری را بجای می آورد و تشنه از فرات بر می گشت. صدایی که گلوی خونین علی اصغر را در پیش چشم مادران بوشهری نمایان می ساخت که بر روی دستان سالار شهیدان رو به سوی آسمان هدیه شده است. صدایی که شورش و محشر کربلا را بازگو می کرد، صدایی که نوبت جنگ سالار شهیدان را بانگ می زد و خداحافظی وی را بر در خیمه شهنشاه غریبان باز می گفت، صدایی که سخنان لیلا بود بعد از دیدن نعش علی اکبر بر در خیمه که چسان تازه جوانش را می ستود، صدایی که غم بازگشت کاروان غم دیده زینب از کربلا را با خود داشت و از محشری سخن می گفت که بعد از محشری دیگر آمده است.

این صدا بعد از سی سال هنوز به آن خفته بر زیر خاک نپیوسته است، صدایی که آه از نهان ها بر آورد و پدران و مادران ما را به عشق پیامبر و دلاوری های علی و مظلومیت حسین اشک ریزان کرد و دل هایی شکسته را به سوی مدینه و نجف و کربلا به زیارت برد. پدران و مادرانی که خود زجر دیده تاریخ بودند و ستم کشیده دوران. این صدا دیگر جزئی از فرهنگ بوشهر است، صدایی که خلوص بوشهری ها را در عزاداری ها نمایان می ساخت، صدایی که همدلی بوشهری ها را در هنگام سینه زنی آشکار می ساخت، صدایی که شور بوشهری ها را در هنگامه واحد بانگ بر می آورد، صدایی که صدای بوشهر بود در هنگام عزا.

و ما بعد از گذشت سی سال در هنگامه هر عزاداری در کوچه های تنگ و تاریک بوشهر باز به دنبال آن صدا می گردیم تا ما را با خود به مدینه و نجف و کربلا ببرد.

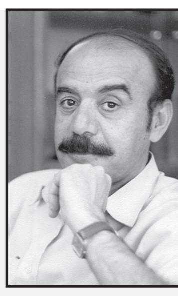
هنوز آن صدا زنده است ...



صدایی در اعماق تاریکی پشت پوست

(تقدیم به انسان فرهیخته جناب آقای عبدالحسین کنین)

احمد آرام



بدان گهر نرسد دست هر گدا
حافظ
هزینه یی به کف آور ز گنج قارون بیش

تفاوت جهان بخش کردی زاده باسایر نوحه خوان های بوشهری در این است که او خود را نوحه خوانی تمام وقت می دانست و دیگران پاره وقت. این تفاوت فاحش باعث شد تا او به صدایی ماندگار برسد. این دیگرانی که مد نظر هستند اغلب از صدایی رسا، ذهنی هوشیار، و حضوری دلنشین برخوردارند. اماچیزی که قراراست به آن اشاره نمایم حفظ آن





شاد روان سید علی مهیمنیان

جواهری است که در حنجره شان نشسته است و خود از آن بی خبرند. و چه بسا به دلیل همین عدم شناخت، این شی گران قیمت را به راحتی از دست می دهند. من درتاریخ نوحه خوانی بوشهر کسی را سراغ ندارم که همچون مرحوم مهیمنیان خالص، صمیمی و پرآهنگ نوحه خوانده باشد. و دوران نوحه خوانی خود را ، سالم و پر دوام ادامه داده باشد. جز یک نفر، که به آن اشاره خواهیم نمود. البته دلیلش را هم عرض خواهم کرد. ایشان در دوره ای به نوحه خوانی پرداختند که آن دوره فاصله بسیار دوری از زمانه ناخدا عباس نداشت، و این خود مزایایی به همراه داشت که دیگران فاقد چنین امتیازی بودند. اول این که تکنیک آن نوحه خوانی اولیه به خوبی در شیوه ی خوانش و لحن موسیقایی مهیمنیان ظهور کرد و او توانست با توانمندی خاصی چنین شیوه ای را نگه دارد و پیاده کند. من وقتی که برای اولین بار به نوار صدایش دست پیدا کردم و آن را از برنامه رادیویی پخش نمودم به راستی شوکه شدم به این دلیل:

– ضرباهنگی در راستای سازهای کوبه ای؛ شبیه صدای واقعی دمام، صدایی به دور از تاثیرات بدوی موسیقی روز. چیزی که هم اکنون می شنویم و حالمان را به هم می زند.

– صداقت در بیان آن چیزی که بدان اعتقاد داشت.

– به دور بودن از سیاست بازی های متداول، که این روزها رواج دارد.

– رهبری و تسلط بر گروهی همخوان که همگی در پی سیراب شدن از چنین لحن تکنیکی در «روها» ی سینه زنی، مستانه، و شاید سماع گونه، به خروش می آمدند.

نکاتی که بر شمردم، وحی منزل نیست، اما واقعیت امر چنین ایجاب می کند تا تاثیر نوحه خوان بدین شکل مقبول عام گردد. طراوت صدای مهیمنیان، بکر بودن حنجره و قدرت تارهای صوتی او، خروش درونی نوحه را تضمین می کرد و آرامش و سکون درونی آن ها را بر هم می زد تا روز واقعه را درک کنند. بخشو، برای اولین بار با شنیدن آن صدا و حضور در چنان مراسمی، با صدای مرحوم مهیمنیان آشنا می شود و در درونش چیزی تکان می خورد که چند دهه بعد، او با چنین تاثیری، ماندگارترین صدا را می آفریند. قدرت فراگیری بخشو در تمام زمینه های اجتماعی و موسیقایی شگفت انگیز بود، اجازه می خواهم تا در این باب خاطره ای را که خود در هنگام مقدمات تهیه ی سریال دلیران تنگستان شاهد آن بودم عرض نمایم.

من که آن زمان محصل دبیرستان سعادت بودم و شیفته ی سینما، با کارگردان آن سریال دوست شدم و در زمینه ی تحقیقات اجتماعی و سیاسی جنبش دلیران تنگستان همواره از نزدیک شاهد کنکاش های دقیق کارگردان، همایون شهنواز، بودم که چگونه می خواست یک جنبش اجتماعی را از طریق خاطره های مردمی نه دستورات دولتی، به تصویر بکشد. او اعتقاد داشت که این رویداد، رویدادی مردمی است که در پس پشت آن ایدئولوژی مردمی قرار دارد. او حتی خط نبشته های روی دیوارها را به دقت می خواند تا مسیر تفکر مردم شناسی خود را قوت بخشد و فرهنگ بوشهری ها را بهتر بشناسد. شاید باور کردنی نباشد که او (شهنواز) در تمام این مدت معتقد بود که تمام آن رویدادهای تاریخی با «این صدا» صیقل می یابد و قوام می گیرد؛ و آن صدا هم صدای جهان بخش کردی زاده بود، یک شب به اتفاق او و عکاس / فیلمبرداری که به گمانم حسابی نامی بود به ریشهر و به خانه ی بخشو رفتیم. او همیشه با روی باز از میهمان هایش پذیرایی می کرد. خانواده ای صمیمی، زحمتکش و به دور از ادا و اصول شهرنشین های امروزی.

پیش از این، بخشو بوسیله ی ناصر تقوایی کارگردان سینما در فیلم کوتاه و درخشان اربعین به تمام ایران معرفی گردیده بود، که بماناد. اما در آن مجلس از او خواسته شد تا قسمت هایی از شاهنامه خوانی را برای صحنه هایی از سریال دلیران تنگستان بخواند. جهانبخش گفت: شما آن ابیات را بخوانید تا من گوش دهم و سپس بخوانم. وقتی که اشعار حماسی را شنید، در کمال حیرت آن اشعار را با دقت به ذهن سپرد و به شیوه ی شاهنامه خوانی آن را خواند و همه ی ما را متحیر کرد. در همان زمان، در برداشت اول، صدا ضبط شد. در آن مجلس بخشو گفت: حالا ضبط تان را خاموش کنید تا قطعه ای از دشتی را که خوانده ام برای شما پخش کنم. با این شرط که از من نخواهید آن قطعه را به دست شما بدهم. کارگردان پذیرفت و ایشان یک نوار ریلی را در دستگاه گذاشت و ما آن صدا را شنیدیم؛ قطعه ای در دشتی، صدایی که هنوز پس از آن همه سال در پستوی ذهنم نگهش داشته ام. مرحوم جهان بخش راضی نشد که آن قطعه را به کارگردان بدهد و آن را هم چون قطعه ای از الماس نزد خود نگه داشت. به خودم گفتم خدایا تو زیباترین حنجره را آفریده ای.

مرحوم مهیمنیان، در مراسم سینه زنی، تکنیک ناخداعباس را تمام و کمال پیاده می کرد. درست در زمانه ای که تکنولوژی شتابناک و موسیقی غرب زده کسی را هلاک نکرده بود و آدم ها با دلبستگی به سنت ها و باورهایشان زندگی خوشی را می گذراندند. در این زمان با هجوم رسانه های ماهواره ای و تسلط موسیقی غربی و ناپدید شدن باورهای مردمی و موسیقی اصیل ایرانی، تراژدی خود ویرانی آغاز شده است و تکنیک های بدیع و خالص دستخوش تحولات به شیوه غربی، گردیده است. در این روند تنها چیزی که صدمه می بیند فرهنگ مردمی است.

بدنه ی موسیقی مذهبی بوشهر بارها با ندانم کاری ها خدشه دار گردیده است و کسی هم پاسخ گو نیست و هم اکنون به عینه می توان شاهد کژ و کوژی چنین موسیقی ای بود . به مراسم دمام که نگاه می کنید یاد بازار مس گرها در ذهن شما زنده می شود آن شیوه های بدیع سازهای کوبه ای، هماهنگی بوق ها و سنج ها، ضرباهنگ قابل تعمق و از همه مهم تر گفتگوی سازها همه و همه دستخوش نوعی کج سلیقگی گردیده است. تمام این ها برمی گردد به نوعی نظم و انضباط گروهی که متاسفانه رخت بر بسته است. نوحه سرایی و نوحه خوانی هم سرنوشتی کمتر از این نداشته است!

در مسیر خودآموزی های بخشو، این مسئله را هم باید اشاره نمود که او از تاثیر پذیری از دیگران واهمه نداشته، چرا چون بارها برای شنیدن صدای مرحوم شریفیان، و حتی از راهنمایی های ایشان روی بر نمی تافت.

همین طور که می دانید مرحوم شریفیان نیز یکی از تاثیر گذاران روند نوحه خوانی بوشهر است که متاسفانه مجالی نیست تا در این باره چیزی بنویسم، ولی یقین دارم که تکنیک و لحن آهنگین او از یادها نخواهد رفت. جهانبخش اما با این که از مهیمنیان تقلید کرد و از شریفیان چیزها آموخت اما هرگز بر آن نبود که فقط یک مقلد باشد و به زودی خود پایه گذار شیوه ای شد که تنها از نوحه خوان های تمام وقت بر می آمد.

مهم ترین مسئله ای که همیشه ذهن مرا به خود مشغول داشته آنالیز درست و علمی موسیقی بوشهر، چه مذهبی و چه غیر مذهبی ، بوده است، که تاکنون این مهم صورت نپذیرفته است، حال آن که آدم هایش را هم داشته ایم. ما چند صدای ماندگار در نوحه خوانی بوشهر داریم ؛ از جمله مرحوم مهیمنیان ، جهانبخش کردی زاده، شریفیان، علیباش خرمایی، علی دشتی و مصطفی گراشی و چند نفر دیگر ، که با کمال تاسف این صداها با دقت آنالیز نشدند. و خیلی از کسانی که در علم موسیقایی سررشته داشته اند وقت خود را صرف چنین تحلیل موسیقایی نکردند. دامنه ی قدرت بعضی از صداها به گونه ای است که ما را به یاد بزرگترین خوانندگان در عرصه ی موسیقی کلاسیک اروپایی می اندازد. و بنده ترسی ندارم که حتی بعضی از آن ها را با سرشناس ترین خوانندگان نظیر پاوراتی ایتالیایی یا نایتینگ کول آمریکایی و یا ادیت پیاف فرانسوی مقایسه نمایم، که اگر نوحه خوان های ما نیز در جامعه ای پیشرفته و موسیقی سالار تربیت می شدند و از نعمت های آن چنانی برخوردار بودند، به گمان من چهره ای جهانی می شدند.

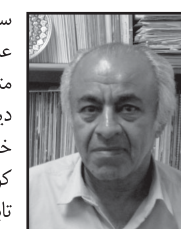
جهانبخش کردی زاده به شکلی غریزی از دانایی موسیقایی برخوردار بود، و برای مثال مصطفی گراشی به شکلی علمی. این مقایسه را انجام دادم تا پی به دقت دو نسل متفاوت داشته باشیم: دو نسلی که هر کدام تربیت جداگانه ای داشتند، منظور از تربیت قرار داشتن و به روز بودن در جامعه ای که زندگی می کردند. ما به خوبی آگاه به این امر هستیم که در هر دوره ای که زندگی می کنیم، همان دوره چیزهایی به ما می بخشد که گاه باعث قوام هنر ما می گردد.

تنالیته ی صدای بخشو و گراشی، هر دو با یکدیگر بسیار متفاوت است زیرا هر کدام از آن ها دارای قریحه و مهارت خاصی در پرداختن به صدای خود داشته و ما نمی توانیم صدای بخشو را در نوحه ی «رودم به میدان می رود» با آن تسلط که دال بر دقت و پرورش شگرف گوش موسیقیایی و مهارت اوست، را نادیده بگیریم. همین طور نوحه ی «لبالب» گراشی که بدون آزار رساندن به تارهای صوتی و انقباض حنجره ، واژه های آهنگین با امواج صدایی تربیت شده انسان را مسحور خود می سازد که همین جاذبه را در صدای بخشو به گونه ای دیگر می توان آنالیز کرد. اما این گرمی و انگیزندگی صدا، در لحن موسیقایی بخشو به او صدایی گرم و قابل انعطاف ، تنالیه ای مطبوع و قابل کنترل می داد، چیزی که این روزها ، خصوصا در نوحه خوان های جوان، دیده نمی شود. وقتی که بعضی از این صداهای تازه به دوران رسیده را می شنوم در می یابم که اغلب آن ها فاقد اندام های صوتی قوی برای اجرای ملودی های آوازی هستند. درک مفاهیم شعر، مناسب خوانی و حتا تحریرهای بد و نامشخص، صدا را از مسیر دستگاه خاصی موسیقایی منحرف می کند و آن گاه زمانی فرا می رسد که ما چیزی برای عرضه کردن به شنونده ی خود نداریم. چه اشکالی دارد که نوحه خوان های جدید ردیف های آوازی موسیقی ایرانی را فرا بگیرند. ، این مسئله نه تنها آنها را بیدار و هوشیار خواهد کرد بل به بدنه ی نوحه خوانی هم خدشه ای وارد نخواند کرد. بخشو در هر نوحه ای تکنیک و ضرباهنگی خاص را به دنبال می کرد. هوشیاری او تا اندازه ای بود که هر نوحه ای را همه جا نمی خواند. من یادم می آید یک شب به اتفاق زنده یاد عین الملک، در صلح آباد از او خواستیم تا نوحه ی «رودم به میدان می رود» را بخواند و گفت: اگر می خواهید این را بشنوید به محله ی دهدشتی بیاید! دلیل این حرف، ناتوانی سینه زن های صلح آبادی نبود، بل که وارد بودن به همنوایی و همسرایی و قدیمی بودن محله ی دهدشتی را مد نظر داشت. همان طور که به خوانش تکنیک های مختلف آوایی اشاره کردم می بایست متذکر گردم که گاه بعضی از نوحه ها ضرباهنگ خاص خود را به صدایش منتقل می کرد: برای مثال شما وقتی که به نوحه ی «شیعه شد ماه صفر زنید و بر سر» را می شنوید و می خواهید آن را با نوحه های« شیعه شد وفات پیغمبر» یا شیعیان «موسم شور و نوا شد» مقایسه کنید در می یابید که دامنه ی صدا، کنترل تارهای صوتی، به دور از انقباض و فشار به حنجره، هر کدام صدا را در مسیری هدایت می کرد که لحن واقعی موسیقایی بر ما آشکار می گردید. بخشو در بیت خوانی یا شروه خوانی با صدای خود رفتار دیگری داشت، او خود را مقید به شناخت درست دو بیتی ها یا ابیاتی قرار می داد که از پس هر کدام از آن ها موسیقی اصلی زاده می شد و صدا در کنترل چنین موسیقی ای به تکامل می رسید. رهبری بخشو سنجیده، غریزی و بسیار حساب شده بود، که البته گراشی نیز چنین تسلطی را دارد. بخشو با سکوت هایی که ایجاد می نمود فضا، مکان و صداهای نامحسوس درون پنجره ها را به بازی می گرفت. او دقیقا می دانست کجای نوحه درنگ کند. یا مکث کند تا قدرت تراژدی را به رخ دیگران بکشاند. او خلاقیت هنری داشت زیرا می دانست با کدام ضربآهنگ سینه زن ها را به سمتی بکشاند که از آن سمت خروش و فغان را به آسمان برود، از جانبی دیگر سکوت بدون کلام را آن چنان وارد فضا می کرد که جمع عزاداران و حتا شنوندگان، خود را در چنین اتمسفری سهیم می دانستند. اوج و فرود در صدایش حساب شده بود و هر نوحه ای به او چنان اجازه ای را می داد تا در خدمت واقعه ای درون متن باشد. پویایی صدای بخشو حیرت انگیز بود، انگار هر لحظه آن صدا زایش می یافت و صدای تازه تری را خلق می کرد. اما حیف که او در زمانه ای زندگی می کرد که جز قشری از مردم، کسان دیگر، چندان وقعی به نوحه خوانی نمی گذاشتند صدای او روی کاست های درب و داغان منتشر می شد که هم لطمه به چنین صدایی می زد و هم بدنه ی مراسم نوحه خوانی را آسیب پذیر می کرد. در اطراف او هم کسانی نبودند که آن صدا را حراست کنند و به دقت ضبط کنند تا آسیب پذیر نشود. با تمام این تفاصیل این صدایی که از پشت تیرگی پوست بیرون می زد همچنان زنده است. من همیشه پس از شنیدن صدایش به احترامش کلاه از سر بر می دارم که او قسمتی از فرهنگ ما بود.

سحر صدای بخشو

نجف آهوچهر





سال ۱۳۳۶ به علت نبود دوره ی متوسطه در بندر دیلم به همراه خانواده به بوشهر کوچ نمودیم و تابستان را در محله ی بن مانع سپری کرده و اوایل مهرماه به دو علت به جبری اسباب کشی نمودیم، یکی برای این که پدرم نام مرا در دبیرستان بوذرجمهری که در جای فعلی دبیرستان نمونه اول خیابان لیان نوشته بود و دیگری به محله ی کار پدرم که اداره آن ها در محله ی با سیدون نزدیک به عمارت حاج رییس در محله بهبهانی قرارداشت، نزدیک باشد. منزل ما در محله خرمایی های جبری واقع شده بود. بعضی اوقات به ویژه اول هر ماه به همراه مادرم برای تهیه مایحتاج خانواده سری به بازار می زدیم و از خیابان نادر که محله جبری را به دروازه وصل می کرد عبور می کردیم. بعد از خرید وسایل لازم درست مقابل مغازه ی دوچرخه و موتورسیکلت فروشی فیروزآباد و مغازه کل اکبر دواسی تعدادی زن نشسته بودند و برای کسانی که گندم جهت آردکردن می خریدند گندم ها از مواد اضافی ماند سنگ ریزه و جو پاک و تمیز می کردند. سپس گندم ها رابه کارخانه ی آرد سازی حاج حبیب فیوض که جنب مدار زار عبدا... بود می بردند. در آن جا آرد می شد. مادرم چند کیلویی گندم خرید پس از تمیز کردن به کارخانه بردیم در آن جا جوانی سیه چرده و تنومند در حالی که پارچه ای به دور موهای سرش بسته بود تا از گردوغبار آرد در امان باشد، گندم ها را از ما گرفت و به داخل محفظه ی کارخانه ی ریخت. پس از چند لحظه آرد شده ی آن ها را به ما تحویل داد. کمتر حرف می زد، یعنی سر و صدای کارخانه نمی گذاشت که حرفی رد و بدل شود و یا شنیده گردد. بنابراین آرام و بی صدا گندم ها آرد می شدند و تحویل صاحبانشان و خداحافظی، در آن سال و سال های بعد چندین بار این عمل و برخورد ما درهمین حد با آن کارگر جوان و دوست داشتنی اتفاق افتاد.

آن کارگر، چهره ای مهربان و در خور احترام داشت و من همیشه از برخورد با او لذت می بردم. دو سال بعد با اصرار من و مادرم ، پدر قطعه زمینی از آقای ابول پورنجفی خریداری کرد و پس از ساختن یکی دو اتاق در آن زمینی که در حالی که هنوز کامل نشده بود ما به محله ی سنگی نقل مکان کردیم و نام مرا در دبیرستان پهلوی نوشتند. در یکی از روزهای ماه محرم اسماعیل جواری یکی از دوستان خوب من خبری آورد که نقل قول می کرد از حاج کاظم و حاج ابراهیم قیصی زاده. می گفت:الان همه ی بزرگان محل در ناکه (۱) جمع شده بودند و حاج کاظم و حاج ابراهیم صحبت می کردند که با بخشو صحبت کرده اند و از او خواهش کرده اند که برای ما نوحه بخواند و از امشب می آید مسجد ما. یعنی مسجد حاج محمد علی و به همه می گفتند: برای سینه زنی به مسجد بیایند. من و جلال مهرسای برای صحت و سقم موضوع خودمان را به محل تجمع رسانیدیم و درست بودن آن را از زبان حاضرین شنیدیم. پس قرار گذاشتیم که مشق شب و تمرینات را زودتر حل و فصل نماییم و برای سینه زنی و شنیدن نوحه بخشو به مسجد برویم، وقتی به مسجد رسیدیم عامو رسول پیش خوانی را شروع کرده بود و بر اول تشکیل شده بود. ما هم به جمع پیوستیم و دایره وار گردیدیم و نواها را تکرار کردیم، بر دوم که کم کم داشت شکل می گرفت و دایره اول بسیار بزرگ شده بود به طور ی که ما به دیوارهای کنار میدان برخورد می کردیم و یا پاهایمان روی پاهای مشاهده کنندگان قرار می گرفت و آن ها خود را جمع و جور می کردند تا ما راحت تر حرکت کنیم، بر دوم که کامل شد جوانی پا به داخل میدان گذاشت و تا تیرک وسط دایره که به وسیله علم های سیاه و شه لامپ قوی و روشن مزین شده بود رسانیده. خدای من این که همان کارگر مدار زارعبدا... بود ولی در کسوت نوحه خوان با لباس تمیز و مرتب و موهای مجعد و براق و چشمان درشت و نافذ. نگاهی به اطراف انداخت و شروع کرد، چه صدایی چه ریتم وآهنگی، بدون بلندگو صدایش رسا و قوی و زنگ دار بود، بسیار با صلابت و محکم و استوار ادای کلام می کرد، دایره های سوم تا پنجم هم شکل گرفته بودند و بخشو با قدرت کلام و آهنگ موزون نوحه ها را که ماندگارشدند و فقط او آن ها را می توانست در لابه لای صدای سینه ها و پاها و خم و راست شدن سینه زن ها طوری جفت و جور نمایند که ذره ای خطا در آن ها یافت نشود.

بخشو در این جا کارگر مدار آردی نبود، بلکه کارفرمای مقتدر و با احترامی بود که در صفوف متابعینش همه قشر آدم با مشاغل گوناگون و طبایع مختلف وجود داشت، گاهی اوقات نهیب می زد و سینه را به حال اصلی بر می گرداند، می گفتند او شاگرد آقای محمد شریفیان بوده و از او تعلیم گرفته است ولی بخشو خود استادی شده بود که طرحی نو در انداخته و یادگاری جاویدان از خود به جای گذاشت. خیلی ها هم بعدها چه در زمان حیات او و چه بعد از رحلت وی سعی داشتند از او و صدایش و حرکات و فیگورهای او تقلید کنند ولی با همه سعی و تلاش، بخشو نشدند، خوب نوحه خواندند و مساجد گوناگونی را در نوردیدند و سینه ها را رهبری کردند ولی بخشو دیگری متولد نشد.

بخشو علاوه بر نوحه خوانی، مصیبت خوانی و اذان هم در لابه لای نوحه خوانی می گفت و می خواند به خصوص در شب و روز بیست و هشتم ماه صفر که مصادف بود با رحلت جانگداز پیامبر گرامی اسلام، پس از سینه زنی و در اواخر نوحه خوانی که تابوت مزین شده با پارچه های سیاه و عمامه سبز رسول خدا را به داخل جمعیت می آوردند و منظره ی بسیار حزین و جگر خراشی به وجود می آمد، بخشو اذان می گفت: الله اکبر ، الله اکبر، اشهد ان لااله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله که در آن حالت صدای جادویی و سحر صدای بخشو فغان از جمعیت بلند می کرد، زنان و مردان تماشاگر چنان نوحه سرایی و گریه زاری به راه می انداختند که یک پارچه شور و حال و وفاداری به دین اسلام و به رهبری رسول خدا بود و باعث آن، صدای گرم و سوزناک بخشو بود در زمان خواندن اذان و مصیبت اهل بیت.

بخشو سال ها خواند و خواند و چه زیبا می خواند این عندلیب ما بوشهری ها و این فاخته ی بی رقیب دیار ما، بخشو؛ ای نوحه خوان بی نظیر و ای خفته در خاک خاطره ها، آفاق را گردیده ام بس روزگاران دیده ام بس نوحه ها بشنیده ام اما تو چیز دیگری. خدایش بیامرزد.

۱ – ناکه : زمینی تقریبا گود و پهناور که درخت بابل تنومندی در آن قرارداشت و محل استراحت تابستانه اهالی محل بود. در سنگی والان منزل حاج حبیب پورنجفی در جای آن قرار دارد.

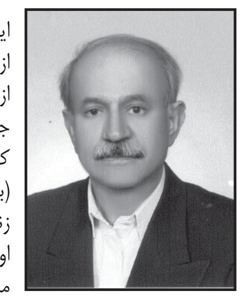


مرحوم محمد شریفیان

۴
نسیم جنوب
ویژه بخشو
شماره ۴۸۹ یکشنبه ۵ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

تنها صداست که می ماند...

دکترجعفر حمیدی



اینک پس از سه دهه از درگذشت جها نبخش کردی زاده (بخشو)، هنوز زنگ صدای او تارهای دل مشتاقان و عاشقان راه حق را می لرزاند و می نوازد.

صدای بخشو یک صدای عادی و معمولی نبود، مجموعه ای بود از شور و نوا که به هر دستگاهی از دستگاه های موسیقی می نشست. هنگامی که برهای سینه را در مسجد دهدشتی و مساجد پیرزن، حاج محمدعلی، جفره و صلح آباد و... به مرما وامی داشت، می توانستی صدای موج،غرش طوفان و غناهشت دریا را در آن امواج خروشان انسانی با تمام رگ و پی وجود احساس کنی. هنوز مردانی مثل حاج علی رضا مصلحیان، حاج حبیب فیوض، حاج سید اصغرمصطفوی، برادران مرادی در محله ی دهدشتی، قد وقامتی داشتند و پرچم سوگواری کربلا را می افراشتند و بخشو را گرامی می داشتند و همه ی مردم بوشهر او را دوست می داشتند. وقتی صدای بخشو در کوچه ها و خیابان ها و خانه ها می پیچید و بلندگوهای مساجد و حسینیه ها با وجد و شور، پیک خبر رسان طنین صدای او می شدند، دلی نبود که نلرزد و چشمی نبود که نگرید...

او در میان دوایر سینه، ناخدایی بود پرجذبه که جذبه و اهمیت چهره ی ناخدا عباس دریانورد را به یاد می آورد و موسیقی دل انگیز صدای محمد شریفیان را تداعی می نمود:

خروش بود و خبر بود
ستاره بود و قمر بود

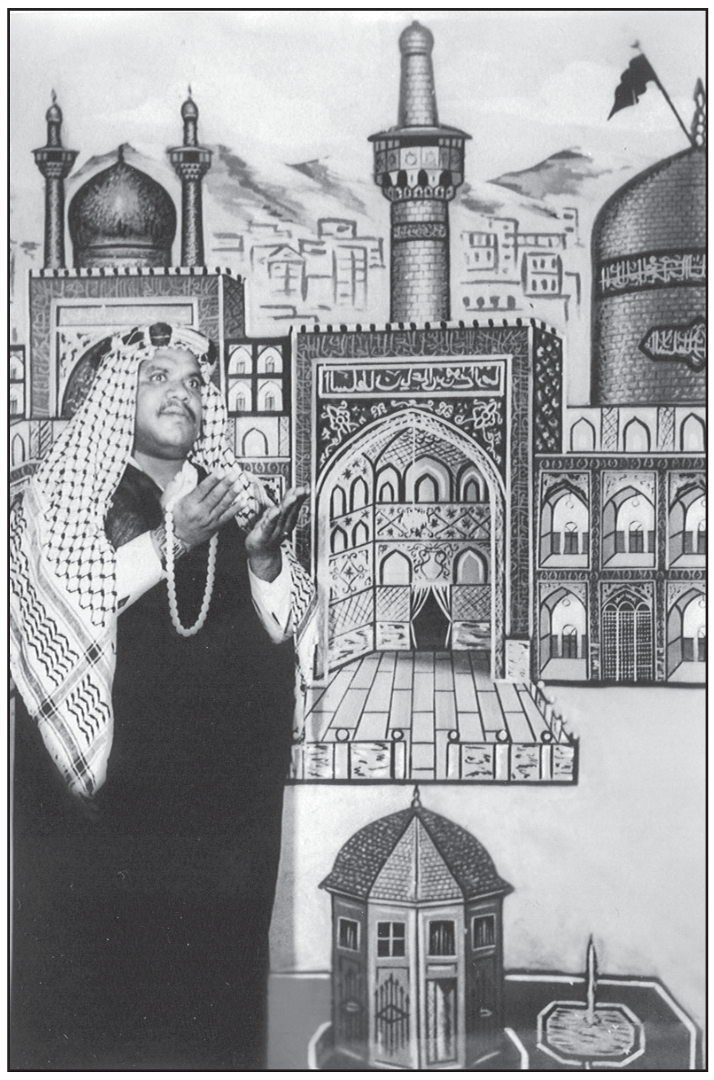
غروب بود و سحر بود
صدای همهمه ی پر طنین آوایش/ به گوش،لاله ی تر بود

بخشو با تمام شهرت و آوازه ای که داشت، غرور نداشت، تکبر نداشت، تواضع داشت و مردمی بود. کار می کرد و از دسترنج خود چرخ زندگی را به حرکت در می آورد. خوب به یاد دارم که یک اتومبیل آبی رنگ آریا مدل ۱۳۴۸ داشت، همیشه شلوار توسی و کت مخمل یا جیر خردلی رنگ و غالبا پیراهن مشکی می پوشید و پشت فرمان اتومبیل آریا، به مسافرانی که به باغ ملا و بهمنی می برد با احترام و لبخند برخورد می نمود. شبی از شب های زمستان ۱۳۴۷ به اتفاق زنده یاد استاد نعمتی زاده و زنده یاد سید جواد عین الملک به خانه ی او رفتیم در باغ ملا. هنوز این محله گرفتار تیغ بولدوزورها نشده بود. از او خواستم تا برایم شاهنامه بخواند تا صدایش را ضبط کنم و در انجمن ادبی دبیرستان سعادت که عهده دار آن بودم و هر هفته برگزار می کردم به عنوان برنامه ی نقالی و شاهنامه خوانی برای دانش آموزان،دبیران و مدعوین پخش نمایم. آن شب تا نزدیک سحر در خانه ی بخشو نشستیم، شاهنامه به دستش دادم، خواند و خواند و خواند و رزمنامه ای دلپذیر شد و دو روز بعد در برنامه ی انجمن ادبی دبیرستان سعادت پخش کردم. متاسفانه امروز این نوار را دردست ندارم و نمی دانم در کجاست و به دست کیست؟! آدمی نمی ماند و نمی داند آینده اش چه خواهد بود اما آن چه که از آدمی می ماند یادها و یادبودها است. صدا، شعر، نقاشی، هنر، موسیقی، نام نیک، آثار خیر و یادگارهای نیک دیگر.

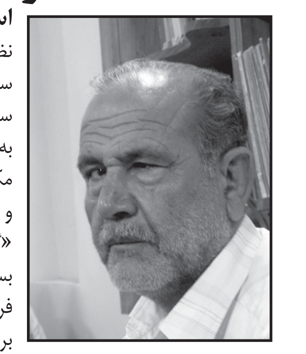
وقتی که ابر،پنجره را لمس می کند
شب، آفتاب صبح دگر را
باور نمی کند
وقتی که صبح، چهره نشان می دهد به روز
خمیازه ی غروب دگر را
باور نمی کند

و این صدای بخشو است که از پشت دیوارسال ها به گوش می رسد، از خانه ها، مغازه ها، ادارات، ماشین ها و اماکن مختلف. نه تنها در بوشهر بل که در جای جای این خاک تابناک و در پایتخت نیز صدای او را با گوش جان می شنوند و لذت می برند.

تو دل به وسوسه مسپار
صدای زنگ شترهای کاروان ره دور می آید
صدای عشق، صدای سرور
صدای آن که نمرده است و
عاشق است و
ز ما دور...



بخشو؛ نامی ماندگارتر از خاک و دریا



اسکندر احمد نیا ـ به نظر می رسید، آن سال ها، سال های سختی بودند. سال های ۳۸ و ۳۹، تازه به خود آمده بودم، تازه از مکتب خانه رها شده بودم و دو سالی بود که دبستان «گلستان» می رفتم، بسیار و بسیار باید در خود فرو بروم و مخفیانه اشک بریزم. در حسرت دیداری دیگر که هیچ گاه تکراری ندارد. دیدار مرحوم رهنمایی، مرحوم کردستانی، سید کاظم اشرفی، بازویی و باقر فرخ که بر دستان پیر شده اش هنوز بوسه می زنم. از بازار ماهی فروشان مستقیم می رفتی، جنوب بازار غوغا بود. سیه چرده جوانی خوش قامت، انبوهی از جمعیت و مردانی ستبر سینه و بازو را به گرد خود، در مسجد دهدشتی حلقه وار به زنجیر حنجره، ساعت ها میخ کوب ...

بعدازظهر معطر بوشهر (انگار هنوز هست) جای دکان سابق مرحوم حاج ابراهیم فیروز آبادی (جلودار کنونی) صدای هُم وهُم موتور دیزلی هفت اسب (لیستر انگلیسی) آسیاب مرحوم زایر عبدالله و دستان مهربان سیه چرده جوانی که گاهی در خاموشی بازار و سکوت لیستر نوای شروه اش شناشیر و چندل خانه ی ابوشهریان را به ترّنم و ترانه می نشاند. باری دستان سیه چرده جوانی که آرده های گندم، سپیدی برف را بر آن منقش نموده و بخت او که عجین در نگاه قدرشناسانه ی عابران تا ابد به گم گشتگی و سقوط نخواهد نشست!

در ایام ماه های حرام، به خصوص محرم و صفر، طنین گلبانگ حنجره ای او بود که گوشه گوشه ی شبه جزیره ی نجیب تاریخ را لذت درمانی می کرد. ضبط صوت ها به کار افتاده بودند و نوارها دست به دست می شدند.

و پیام هنر گونه ی (واقعا هنری) او را به سمت های مختلف می بردند. بخشو آمده بود تا بگوید اگر دهل و دمام و سنج و نی همبانه و زار را از محاق دور دست آفریقاییان پالایش نموده ایم و متحول نموده ایم، من آمده ام تا با صدای چاووش و نوحه و بیت خوانی عرصه ای دیگر را جاودانه نمایم.

بوشهری ها و یزله بوشهری ها و دُم دُم سحری، بوشهری ها و نی همبانه، بوشهری ها و شروه خوانی، به وسیله ترانه های فایز، بوشهر و چوبک، بوشهر و آتشی و بیابانی ، بوشهر و رییسعلی و خالو حسین و غضنفر السلطنه و زایر خضرخان و شیخ حسین خان چاهکوتاهی، بوشهر و ناخدا عباس، بوشهر و بالاخره بخشو، مردی که سبک و تاثیر گذار او را هیچ خواننده و مداحی (در زمینه ی موسیقی و مذهب) منکر، نخواهد شد.

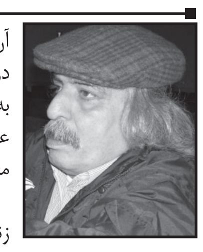
این بوشهر نمی توان وجود به ثبت رسیده ی او را از پیشانی روزگار بزداید. و نخواهد توانست در آینده ای از این حال چند گام پیش تر، منکر طلوع و ظهور امثال محسن شریفیان ها و داریوش غریب زاده ها و .. شود!

بوشهر و بوشهریان خوشند و سرخوش با این نام و نام ها و اسطوره های ماندگاری که صیت بلند شهره گی اشان را بر جای جای عالم هستی به پرواز و چرخش در آورده اند.

زنده باد و جاوید نام جهان بخش کردی زاده. شاد و بالنده باد روح بلند همه ی چهره هایی که هم چون او اگر چه رخت بر بسته اند باعث و بانی بزرگی و سرافرازی قوم خود و دیار خود شده اند !

ستایش از صدا و شرافت و نجابت

ایرج صغیری



آن چه که در بوشهر به عنوان عزاداری و مخصوصا سینه زنی در بزرگداشت و رثاء اباعبدالله الحسین (ع) صدها سال است جریان دارد، محققا چیزی است ورای یک عزاداری ساده و یک سینه زنی معمول و بیشتر به خلق یک یا چند اثر هنری نزدیک تر است. یعنی بوشهر های حتی اندوه بیکران عزیزان خویش را در چهار چوبه هنر ایجاد می کنند. این که چرا و چگونه در یک بندر محروم و پرت، سیلی خورده از هر سلسله ی شاهی، با تنی تب دار زیر نیزه های گدازان خورشید، واقعه ی دردناک امام دلاور خویش را هنرمندانه اعلام می دارد و در تجلیل درس زندگی که از پیشوای خود می آموزد به یاری هنر در تاریخ و فرهنگ جاودانه می سازد، بحثی است که در این مجال نمی گنجد اما قصد ما در این فرصت اندک، معرفی هنرمندی یگانه و بی بدیل است، سخت مردمی و شریف آن سان که نامش را نیز مردم انتخاب کردند. بخشو.



او خود و خانواده اش جهانبخش برگزیدند اما اهل بوشهر نامی صمیمانه تر برای این هنرمند و یا این مداح برگزیدند. به جرأت می توان گفت هم اکنون که نزدیک به سی سال از مرگ او گذشته است در بوشهر و حتی در جنوب ایران کم تر کسی که اهل هنر باشد وجود دارد، که بخشو را تقریبا به طور کامل نشناسد. این بزرگوار تمام لحظات زندگی اش در فروتنی ثروتمندانه ای جز با مردم نگذاشت. از رفعت روح او همین بس که کسی به یاد ندارد که این نوحه خوان قدرتمند، غروری پیشه سازد و یا خویشتن را برتر از دیگران بشمارد. همه می دانیم که او از بزرگان این دیار بود و اگر خود را نیز بزرگ می دانست بیراهه نرفته بود. با این همه این چنین فروتنانه خواندن و مداحی کردن و با مردم دیار خویش حشر و نشر داشتن فی الواقع پدیده است.

صدای سحرانگیز این اعجوبه ی مداح برای هر شنونده ای از هر سنخ و از هر دست مقاومت ناپذیر بود و حتی امروز نیز چنین است. او در کارنامه ی خود بازسازی نوحه هایی را دارد که امروزه در میان انبوه مداحان حتی یک تن نیست که نوجویی این بزرگوار را دست کم تقلید کرده باشد. نوحه هایی مثل "لیلا بگفتا" و چند واحد شورانگیز تنها با خوانندگی اوست که شنیدنی و شگفت انگیز است.

در این مجا ل اندک هیچ فرصتی نیست تا به تحلیل فنی صدای او بنشینیم. مجال بیشتر می خواهد و متخصصان فنی. اما در بوشهر بدلیل علاقه مردم به بخشو و مردمی بودنش هر کس به خود حق می دهد درباره ی این هنرمند یا به قول خودمان این نوحه خوان سخن بگوید. هر نوع یاد آوری بخشو ستایش از صدا و شرافت و نجابت این بزرگوار است. یادش گرامی باد.



بخشو گفت جواب مادرم را چه بدهم؟



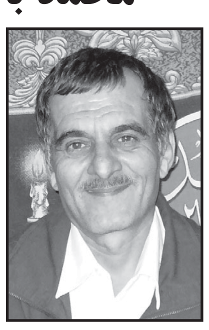
حمید ارشدی زاده متولد ۱۳۳۶ بوشهر : زنده یاد جهان بخش کردی زاده ۱۳۴۲ در سال بعد از آن که شادروان محمد شریفیان بنا به دلایلی به نوحه خوانی در مسجد دهدشتی ادامه نداد، به پیشنهاد تعدادی از هم محله ای های ایشان (باغ ملا) که بازار قدیم با اهالی محله دهشتی مثل شیرخان خالوزاده سر و کار داشتند. به پیشکسوتان محل معرفی می شود و پس از برگزاری مراسمی در مسجد پیرزن که زنده یاد بخشو در آن مجلس می خوانده مورد تایید قرار می گیرد و از آن تاریخ به بعد به مسجد دهدشتی می آید و از کمک های شادروان اصلاح پذیر استفاده کرد.

در کار نوحه خوانی پیشرفت زیادی کرد. شادروان کردی زاده در طول تمام سال هایی که در مسجد دهدشتی می خواند به اهالی محل خصوصا پیشکسوتان علاقه بسیار زیادی پیدا کرده بود و همیشه حرمت و احترام آن ها را نگاه می داشت و تا آخرین لحظه عمرش به مسجد دهدشتی و عهدی که با بزرگان محل بسته بود پایبند بود.

به یاد دارم در آن سال ها از رادیو و تلویزیون ملی ایران تقاضای فراوانی از او برای خواندن در رادیو داشتند و این که در رادیو خوانندگی کند ولی او همیشه می گفت: جواب مادرم را چه بدهم؟ و بعد ها به اصرار و خواهش مردم در فیلم اربعین و دلیران تنگستان آن هم چون در رابطه با نوحه خوانی بود شرکت کرد. او علاقه زیادی به آقای سیدمحمد تقی و آقا سید ابراهیم حجت داشت.



زیارت اهل قبور در محمد باقر و شکری



رضا فرهادی (متولد۱۳۳۱ بوشهر- فرزند شادروان یوسف فرهادی): زنده یاد جهان بخش کردی زاده علاوه بر این که چهره ی سرشناس بوشهر بود، در تمام ایران و بعضی از نقاط دنیا هم او را می شناختند چرا که علاوه بر تبحری که در نوحه خوانی داشت با احترام و علاقه زیادی به مردم خود خدمت می کرد. حنجره ای مثل بخشو هرگز دیده و شنیده نمی شود هر پنج شنبه با ماشینی که داشت به محله دهدشتی می آمد و افرادی که سن و سالی از آن ها گذشته بود سوار می کرد و به امام زاده محمد باقر و شکری جهت زیارت اهل قبور و قرائت فاتحه می برد و برای آن ها مرثیه؛ چاووشی و غیره می خواند. بعد هم همه آن ها را بر می گرداند و برایشان احترام فراوانی قایل بود. زنده یاد در پایان ماه صفر همه ی عایدات شال هایی را که برای او بسته بودند در باغ ملا صرف پخت غذا برای مردم می کرد.

نگاهی به فیلم اربعین ساخته ی ناصر تقوایی

صدایی واحد از سینه های عاشق

ناصر تقوایی: در مراسم عزاداری در بوشهر، عواطف سخت، به آرامترین، زیباترین و انسانی ترین شکل خود بروز می کنند.

گروتوفسکی: طبال های بوشهری کوبنده ترین طبال هایی هستند که به عمردم دیده ام.

اربعین در کنار دو فیلم مستند "باد جن" و "موسیقی جنوب" شاید سه گانه فیلم های کوتاه ناصر تقوایی درباره موسیقی و آیین های مذهبی جنوب کشور باشد. در دومین مراسم اهدای تندیس خانه سینما که چندی پیش برگزار شد. تندیس قدردانی به پاس فعالیت های هنری این کارگردان به وی اعطا شد. فیلم کوتاه اربعین در سال ۴۹ ساخته شد واولین بار در شیراز در سال ۵۰ به نمایش عمومی در آمد.

سینه زنی این مردمان با همه دیارها متفاوت است. حلقه های تودرهم که به زبان محلی «بر» گویند. با نظم و متناسب با سن و مقام مردان محل، به تدریج و در طول و ادامه سینه زنی تشکیل می شود و گاه تا ده بر می رسد. هر سینه زن با دست چپ کمر همراه سمت چپ خود را می گیرد و با دست راست همه با هم به سینه می زنند. در حالی که باز هم همه با هم پای راست را به جلو و پای چپ را به عقب می گذارند. و در گردش خود تعالی غریبی را تجسم می بخشند. در این میان نوحه خوان در مرکز این مردمان سینه برهنه با صدای زنگدار و پرکشش خود هیجان را مضاعف می کند.

نوحه سرا «بخشو سیاه» که بعد از نمایش فیلم اربعین در سال ۱۳۵۰ شهرتی به هم زد با ریتم شکسته خود هماهنگی لازم میان سینه زنان را سامان می دهد، اهالی بوشهر که تحت تاثیر فرهنگ اقوام سیاه آفریقایی بوده اند ضرباهنگ و ریتم آن ها را به عاریت گرفته و در یک مراسم آیینی – مذهبی با رویکردی متفاوت به آن هویت جدیدی می بخشند. این ریتم تا حدودی نزدیک به سکته ها و توقف های خود با ضربان رفت و برگشتی قلب همسان می شود.بنابراین بسیری از پژوهشگران موسیقی آفریقایی و ملل همجوار به این ضرباهنگ لفظ (درونی) یا (وجودی) اطلاق می کنند و هر چه نوازنده با شور بیشتری توسط سازهای کوبی و ضربی این ریتم را به کار گیرد خود متاثر آن شده اند. اندک اندک فاصله زمانی بین ایست ها کمتر می شود و ریتم تکراری آن شدت می گیرد این اصول آهنگین در مراسم سینه زنی بوشهری ها نیز مصداق دارد و از همین رو تقوایی به درستی ریتم فیلم مستند خود را بر اساس آن چه به تصویر می کشد هماهنگ کرده است.

منوچهر آتشی در نشریه ی تماشا در همان سال ها برای فیلم اربعین می نویسد: "باری سینه زنی تا مرحله دوم که واحد می نامند ادامه می یابد و بیننده در می یابد که دست کم پانصد ، ششصد دست، چنان با هم و منظم بر طرف چپ سینه های برهنه مردان فرود می آیند که گویی یک دست واحداند. پس از واحد به ناگاه در می یابیم که ضربه یکی در میان می شود نوحه خوان با سکوت تعمدی نقش های بیندگان را در سینه حبس می کند تا سینه زنان را تا حد از پای افتادن به هیجان در آورد. هم از این است که می بینید در میانه، هیکل برهنه و درشت مردی را بر سردست بیرون می برند و آن گاه هیا مولا سر می رسد. حلقه های دایره ای به بیضی هایی چندی تبدیل می شوند و تا شروع مرحله بعد که شاید شبیه خوانی باشد ادامه می یابد."

کارگردانی این فیلم بدون تدوینگری آن میسر نیست چرا که اوج القا حسی فیلم منوط به فضا سازی موضوع از طریق ریتم و ضرباهنگ موجود در مراسم است.



اما تقوایی تنها راوی ساده یک مراسم سینه زنی در بوشهر باقی نمی ماند و بلکه دیدگاه شخصی خود را بدون هیچ تظاهر و اغراق به تصویر می کشد. فیلم با تصویری از نقش حرم و هیات عزاداران که بیرون از مسجد بهبهانی ها سنج و دمام می زنند آغاز می شود.

غلام حیدری در کتاب معرفی و نقد آثار ناصر تقوایی خلاصه داستان اربعین را چنین ادامه می دهد: گروهی از مردم فارغ از کار پرچم ها و پارچه های سبز و سیاه را بر در و دیوار و خانه ها و صحن مسجد نصب می کند. غروب همان روز هیات عزاداران مسجد دهدشتی (در بوشهر) در دایره های تو در تو و با نوحه ی اندوهبار و هیجان آور بخشو سینه می زنند. در لابه لای تصویر هایی از سینه زنی، نمای دوری است از زنی پیچیده در چادر که از کوچه های تنگ و تاریک بوشهر می گذرد و نماهایی از اسکله و ساحل و دریا و عبور قایقی بادبانی و کشتی ای بارکش زیر صدای نوحه خوان وسینه زن ها مردانی مشغول باد دادن خرمن ها هستند. پاسی از شب گذشته، سینه زنها روی یکدیگر را می بوسند لباس می پوشند و متفرق می شوند."

این ظاهر ساده را مهرداد فخیمی با فیلمبرداری سیاه و سفید خود ثبت کرده است. تقوایی با زبان تصویر ریشه احتمالی این مراسم که از آن سوی دریا هست، تاثیر مردم و مذهبشان بر آیین و نیز جاودانگی مراسم آیینی را هم چون کار بازگو می کند. آن چه در نما و نمای فیلم موج می زند، ایمان و اتحاد است از کابردهای آیین درست تقویت روحیه ی ایمان و حس اتحاد در مومنین است و به درستی تقوایی این نکته را در مراسم سینه زنی در یافته و آن را بدون هیچ واسطه غلطی مانند گفتار متنی، کارگردانی می کند.

حمید نفیسی در جلد دوم کتاب، «فیلم مستند» درباره ی فیلم اربعین می نویسد: ناصر تقوایی سینماگر جنوب ایران در فیلم اربعین نظر خود را متوجه نوعی شور و ایمان دیگر می کند. کوبیدن پرچم ها، برپا کردن علم ها، طبل بر سر زدن، نوحه خوانی و سینه زنی مراسم این عزاداری هستند که دوربین شاهد تقوایی با تاکیدی کم و بیش هر کدام را نشان می دهد. (اربعین) فیلمی است فاقد گفتار و تنها صدای آن صدای طبیعی مراسم است . تقوایی بعد از اربعین، فیلم موسیقی جنوب (زار) را می سازد و در آن به داستان گویی روی می آورد. اما تم اصل موسیقیایی آن همان تکرار ضرباهنگ در اربعین است طبل و طبل نوازی با صدای لاهوتی خود بدون هیچ اصول کلاسیک موسیقی به درون انسان ها و به خصوص قلب و احساسات آن ها رسوخ می کنند. بارها شاهد هماوردی ساز های گوناگون با سازهای کوبی بوده ایم و بدون اغراق هربیننده ای تحت تاثیر ضرب آهنگ های شکسته طبل و دف و غیره قرار می گیرد.

گروتوفسکی کارشناس بین المللی موسیقی و هنرهای نمایشی در سفر خود به ایران و در بوشهر اظهار داشت: طبال های بوشهری کوبنده ترین طبال هایی هستند که به عمرش دیده است.

ترکیب سنج، دمام و طبل، نفس گرم بخشو و ضرب آهنگ سینه زنان عاشق امام حسین(ع) فضایی مذهبی را در زمان کوتاه فیلم خلق می کند که هر بیننده ای را تحت تاثیر خود قرار می دهد. تقوایی خود را در این باره می گوید: در مراسم عزاداری در بوشهر، عواطف سخت به آرام ترین شکل خود شان، در زیباترین شکل خودشان و در انسانی ترین شکل خودشان بروز می کنند. به شکل موسیقی، به شکل آیین و به شکل حرکات ریتمیک گروهی .

آفرینش هنری یک میل طبیعی است که در همه مردم وجود دارد. مردم ابتدایی، مردم متمدن، روستایی و شهر نشین، هنر پرورش نیافته هم می تواند یک هنر خیلی خیلی جدی باشد. چیزی که غیر طبیعی است هنری است که می خواهد عکاسی از روی وقایع کند. شاید سینه زنی از تمام شکل های نمایشی مثلا تعزیه هنرمندانه تر باشد. به این علت که قید و بندهای نمایشی را ندارد و شدت عاطفه در یک حرکت بسیار ساده متجلی، می شود حرکت دستی که به سینه ضربه می زند. اگر مذهب برای اعتلای روح است، هنر هم برای اعتلای روح است. چه اشکالی دارد که هنر در یک شکل مذهبی ابراز شود؟ وقتی که این فیلم را می ساختیم بچه هایی بودند که در بر آخر سینه می زدند. سال ها پیش که برای تماشا به بوشهر رفتم این بچه ها یک بر جلوتر آمده بودند این بچه ها آن قدر جلوتر خواهند آمد تا در بر اول جای پیرمردان کار کشته را بگیرند.

* اشاره: این نوشتار در روزنامه ی همشهری به تاریخ ۲۱/ خرداد/۱۳۷۴ به چاپ رسیده است.اما با توجه به پراخت درخور توجهی که فیلم اربعین (که زنده یاد بخشو در آن نقش محوری را ایفا می کند) چاپ دوباره ی آن را در این نسیم جنوبی خالی از لطف ندیدیم!

شناسنامه ی اربعین
محصول: سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران
سال۱۳۴۹
کارگردان : ناصر تقوایی
تهیه کننده: جواد میرمیران
فیلمبردار: مهرداد فخیمی
دستیار فیلمبردار : علی نیازی
صدا: حیدر نخعی
تدوین کنند: ناصر تقوایی
نوحه خوان: بخشو
سینه زنی: هیات عزاداران مسجد دهدشتی
سنج و دمام: هیات عزادارن مسجد بهبهانی
۱۶مم. رنگی" ۲۱/۱۸ دقیقه
کوبیدن پرچم ها: برپا کردن علم ها، طبل دو سره زدن، نوحه خوانی و سینه زنی ، مراسم سوگواری،عزادارانی هستند که دوربین شاهد تقوایی با تاکید کم و بیش ، هر کدام را نشان می دهد . بیش از همه تاکید فیلم بر روی مراسم نوحه خوانی و سینه زنی آهنگین و پرشور عزادارن است که بخشو برای آن ها می خواند!...

نسیم جنوب ۵
ویژه بخشو
شماره ۴۸۹ یکشنبه ۵ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

گفت و گویی با همایون شهنواز؛ کارگردان سریال دلیران تنگستان در خصوص موسیقی سریال دلیران تنگستان و حضور بخشو:

بخشو صدای نابی داشت و با همه صداقتش می خواند

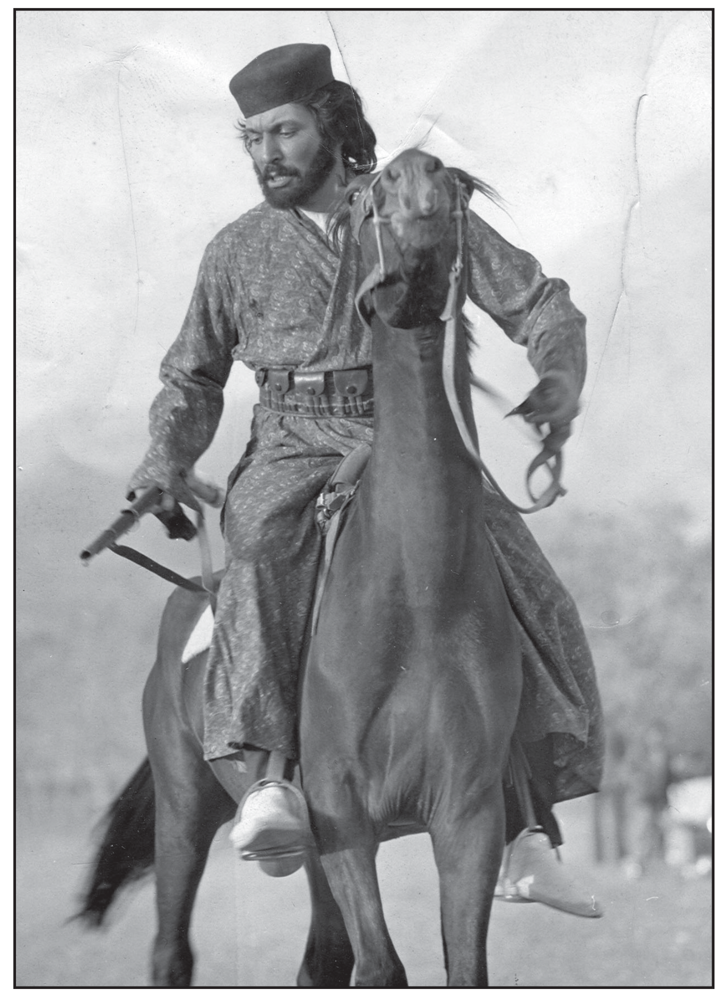
گفت و گو:حماسه حق پرست

پیش درآمد: همایون شهنواز پیش از آن که هنرمندی برجسته ی در عرصه ی سینمای تاریخی ایران باشد کاوشگری علاقمند و جوینده ای مشتاق در تاریخ و گذشته ی جنوب ایران خاصه جغرافیای تاریخی بوشهر است.

در دلیران تنگستان موسیقی "احمد پژمان"را می شنویم. این موسیقی در آغاز به موسیقی سنج و دمام بوشهر به عنوان یک موتیف می نگرد و با به کار گیری سیر ملودیکی که سعی می کند تراژدی و حماسه را به پیوند زند ودر قالب یک قطعه بسط داده شده به شنود بگذارد. گفت و گو با کارگردان آن مجموعه را که اختصاص به موسیقی آن سریال دارد را با هم می خوانیم:

– بی شک کار شما در سریال دلیران تنگستان در تاریخ ایران ماندگار است، اما در این مصاحبه از شما می خواهیم که در خصوص موسیقی سریال دلیران تنگستان به آهنگسازی احمد پژمان توضیح دهید.

– در مورد موسیقی دلیران تنگستان چندین موقعیت را برایم فراهم شد. یکی این که در کنار کارگردانی این سریال با فرهنگ و هنر موسیقی مردم بوشهر آشنا شدم و مراسمی که در بوشهر اجرا می شد را از نزدیک ببینم و چون موضوع این سریال تاریخی – حماسی بود و من هم شیفته ی سنج و دمام شده بودم پی بردم که این موسیقی می تواند کمک شایانی به انتقال احساسات و روحیات حماسی اثر کند. بنابراین به دنبال فردی بودم که با این موسیقی یعنی موسیقی جنوب آشنایی داشته باشد و این سعادت را یافتم که با هنرمند



ارجمند آقای احمد پژمان که اهل جنوب بودند کار کنم و از ایشان خواستم که به بوشهر بیاید و با گروه همراه باشد که او هم به بوشهر آمد و در خصوص موسیقی بوشهر تحقیق بیشتری کردند و کمک زیادی هم به ساخت موسیقی دلیران تنگستان کرد. منتها این موسیقی دو بخش داشت: آقای علی رهبری که خوشبختانه به ایران بازگشتند و رهبری ارکستر سمفونیک را بر عهده دارند قسمت های غربی اثر را بر عهده گرفت مثل ورود چیک یا نماهای کنسولگری انگلیس و ...

– موسیقی تیتراژ آغازین سریال ساخته ی احمد پژمان بود؟

– طرح تیتراژ کار خود من بود یک سیر تکاملی هستی و جنبش بشری را نشان می داد. تک یاخته ای که تبدیل به نخل می شود و بعد تبدیل به اسب می شود و بعد در ادامه اسب به جلو حرکت می کند و گلوله ای می خورد که در آن موقع سعی کردم یک پیام مبارزاتی و چریکی را به بیننده القا کند. موسیقی آن هم کار هنرمند ارجمند احمد پژمان بود.

– از بخشو در سریال تنگستان بگویید.

– بخشو مرد بزرگی در موسیقی بوشهر بود و همیشه خواهد بود. ما برای استفاده ی بیشتر از موسیقی بوشهر و ملموس نمودن بیشتر ماجرا از توانایی مردی استفاده کردیم که با تمام وجود برای ما خواند. در آن هوای گرم با این که چند بار تکرار شد اما با حس و حالی که بین سینه زنان و صدای گرم بخشو ایجاد شده بود یکی از بهترین برداشت ها را در این سریال گرفتیم. بخشو صدای نابی داشت. مسلط بود و با همه صداقتش می خواند. من این افتخار را دارم که در آثارم از بزرگانی چون بخشو استفاده کردم.

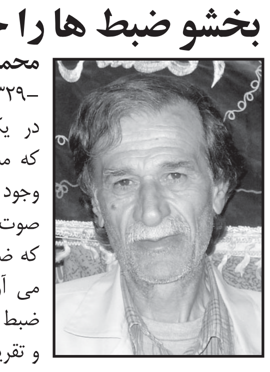


بخشو بدون بلندگو



عبدالرزاق زندویان– متولد ۱۳۲۹– بوشهر: به یاد دارم در آخرین شب ماه صفر که زنده یاد بخشو مشغول نوحه خوانی بود دستگاه آمپلی فایر مشکل پیدا کرده بود و صدا برداری را از کیفیت انداخته بود که شادروان بخشو میکروفون را خاموش کرد و بدون بلندگو درحیاط مسجد نوحه خوانی کرد. جالب آن که بعد از این که نوار همان شب را گوش می کردیم، هیچ کسی متوجه نمی شد که دستگاه خاموش بوده است و بخشو با صدای طبیعی خودش این نوحه ها را خوانده است و اتفاقا یکی از بهترین اجراهای بخشو همان شب و بدون بلند گو بود که نشان از توان گسترده ی این نوحه خوان بی نظیر داشت، چرا که او در خواندن، هیچ زمان کم نمی آورد. حتی نوحه های که نفس و توانایی خاصی لازم داشت. فکر می کنم که موسیقی مذهبی بوشهر دیگر شخصی مثل بخشو را به خود نبیند ولی تا زمانی که این مراسم برپاست صدای بخشو در میان همه مردم طنین انداز است و مراسم محرم و صفر بدون نام بخشو چندان صفایی ندارد.

بخشو ضبط ها را خاموش کرد



محمد ابراهیم روشن روان –۱۳۲۹– بوشهر: به خاطر دارم در یکی از شب های جمعه که مشغول سینه زنی بودیم با وجود این که دستگاه های ضبط صوت زیادی هم نبود اما آن ها که ضبط داشتند شب ها با خود می آوردند و چون جایی برای ضبط ها نبودند به ناچار وسط و تقریبا روی زمین می گذاشتند سکویی هم بود که بعضی از ضبط ها را آن جا می گذاشتند. بعد از این که سینه به واحد رسیده بود بخشو نشست و تمام ضبط های خاموش کرد و بعد هم لبخند زد.

بخشو، سینه زنی بوشهر را به ایران معرفی کرد



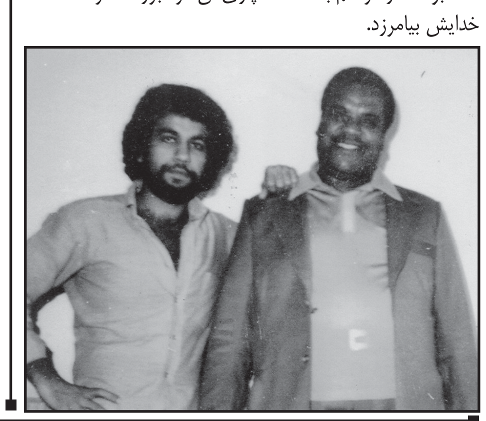
حسین مصلحیان (متولد ۱۳۲۶– بوشهر): در سال ۱۳۳۷ که بخشو در مسجد شکرا... خان شیراز خواند سرباز بود و پر از آن توسط یکی از سیدهای باغ ملا به مرحوم شیرخان خالوزاده معرفی می شود و ایشان هم بعد از خواندن در مسجد پیرزن مورد قبول اهالی محل واقع می شود و پس از آن نوحه خوان ثابت و رسمی مسجد دهدشتی می شود.

یاد دارم در واحدها با مرحوم حاج علی رضا مصلحیان (عموی بنده) دو نفری شروع به خواندن چاووشی می کردند و به هم جواب می دادند. بخشو یک صدای بی نظیر بود که دیگر تکرار نمی شود. بخشو، سینه زنی بوشهر را به تمام ایران معرفی می کرد.

همه برای تشییع جنازه بخشو آمده بودند

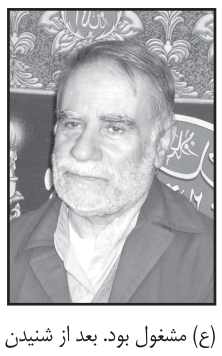


احمد شریفیان (متولد ۱۳۳۶– بوشهر) : سال ۱۳۵۶ بنده در شهر دزفول مشغول خدمت سربازی مردم و بعد از این که خبر مرگ شادروان بخشو توسط خانواده ام به من رسید یکه خوردم و شوکه شدم. بی قرار شده بودم و نمی توانستم در پادگان بمانم و مرتب به فرمانده می گفتم که پدرم بینایی اش را از دست داده است و باید به بوشهر بروم حتی در این خصوص درگیر هم شدم ولی بالاخره برای تشییع آن بزرگوار به بوشهر رسیدم و با تشییع جنازه بی نظیری رو به رو شدم که از سر تا سر ایران وارد بوشهر شده بود تا در مراسم به خاک سپاری آن مرد بزرگ شرکت کنند. خدایش بیامرزد.





بعد از شنیدن صدای بخشو مردم به وی علاقه مند می شدند



حسن مهدی زاده دوانی ـ به خاطر دارم که میلاد امام زمان بود در فصل تابستان و صحن مسجد را برای جشن سرور و پذیرایی آماده کرده بودند و بنده برای اولین بار زنده یاد جهان بخش کردی زاده را در آن جا دیدم که ایشان پای منبر ایستاده و به ذکر مولود نبی و خواندن اشعاری در رابطه با امام زمان (ع) مشغول بود. بعد از شنیدن صدای ایشان اکثرا به آن زنده یاد علاقه مند می شدند و بعد هم رسما در مسجد دهدشتی به نوحه خوان پرداخت. یاد دارم قبل از این که مراسم سینه شروع شود شادروان کردی زاده به شبستان مسجد می آمد و در آنجا می نشست و افرادی هم با او بودند و امیر (فرزند شادروان بخشو) هم با او بود. درمصاحبه ای از او سوال شد که آیا فرزند شما هم از صدای شما بهره ای دارد؟ گفت در بعضی مواقع بله. بعضی وقت ها از او می خواهم چیزی بخواند و یا نوحه ای را شروع کند که پی برده ام که صدای او هم صدای خوبی است و می تواند نوحه خوان خوبی شود.

مراسم سینه زنی بخشو در ایام عید و جشن



احمد رضا فرهادی (متولد ۱۳۳۴ – بوشهر – فرزند شادروان یوسف فرهادی) :

زندگی صحنه ی یکتای هنرمندی ماست
هرکسی نغمه خود خواند از صحنه رود
صحنه پیوسته بجاست
ای خوش آن نغمه که مردم بسپارند به یاد!

نوحه خوانی زنده یاد جهان بخش کردی زاده همزمان شده بود با ظهور چهره های بزرگی از نیک نامان در عرصه ورزش در جهان. در بوشهر هم شاهد چهره های بزرگ و ستارگان درخشانی چون شادروان برزین و احمد رزمی بودیم. این همزمانی نوحه خوانی بخشو با بوکس کلی، فوتبال پله در جهان و فوتبال شیرین برزین و رزمی در بوشهر به ما بوشهری های یک هیجان و شور دیگری می داد. باید بگوییم که جهان بخش کردی زاده عزاداری امام حسین(ع) را جهانی کرد چون در آن زمان مراسم سینه زنی و عزاداری بوشهر آن قدر جذبه داشت که



بوشهر را با بخشو می شناختند. بنده این افتخار را داشتم که در سال ۱۳۵۵ در طی مسافرتی به مشهد مقدس با ایشان همسفر شوم که با ایام و اعیاد شعبانیه همزمان شده بود، در شب اول که جاودان یاد بخشو در یکی از مساجد مشهد شروع به مداحی می کرد از ایشان و خدمتگزاران حرم امام رضا(ع) از ایشان دعوت کردند که فردا شب برای مراسم مداحی به آن جا برود و بخشی آن چنان برنامه باشکوهی در حرم امام رضا اجرا کرد که تمام برنامه و مراسم آن زمان در حرم تحت شعاع هنر مداحی بخشو قرار گرفت و در ده شبی که در مشهد بودیم همه مردم از تمام نقاط ایران، آذربایجانی ها، کردها، بلوچ ها و... به دور هیات بوشهری ها جمع می شدند و اصرار داشتند که ما مراسم سینه زنی برگزار کنیم تا بخشو هم بخواند که بخشو می گفت: ایام، ایام عید و جشن است و آن ها اصرار می کردند که شما مراسم سینه زنی بر پا کنید تا ما بهره مند شویم.

بخشو؛ این جاودان بی همتا

حسین دهقانی



او را برای اولین بار در اواسط دهه سی و قتی دوران آغازین دبستان را می گذرانیدم دیدم. جوانی سیاه چهره و لاغر اندام در لباس سربازی، درست روز عاشورا، در تنگک منزل زایر خدر رستم زاد. همه ساله در این ایام منزل کد خدای محل که مورد اعتماد جامعه ی چک روستایی بود و فرزندان تحصیل کرده و با وقاری تحویل جامعه داده بود، مراسم محرم برگزار می گردید. دیگ های شکر پلو و زیره پلو و قیمه روی هیزم های گداخته حکایت از ولیمه عروسی قاسم داماد می داد. در همین روز بعد از نهار سینه زنی در محل حیاط منزل زایر انجام می گرفت. از تمام روستاهای اطراف و مراکز شهر به محل مراسم می آمدند. همه جای حیاط بزرگ کدخدا صحبت از سربازی بود که در پادگان نظامی خدمت می کرد و امروز برای نوحه خوانی آمده بود فرزند مفتاح. جماعت زیادی دور حیاط آماده برای مراسم و مناسک عزاداری قاسم بودند، آن زمان ها سینه زنی با تن های لخت و عریان انجام می گرفت. زیر سایه بانی که با برزنت ضخیم پوشیده بود تا سینه زن از هرم آفتاب در امان باشد. سینه زنان یکی یکی یا چند تا چند تا تیر چوبی میان سایه بان در حالی که هم دیگر را گرفته بودند، چرخه ی ماتم را سامان می دادند. جوان سیاه چهره در گوشه ای از سرای بزرگ ایستاده بود. شرم در چهره اش به خوبی آشکار بود. ظاهرا او را علی میهمنیان که خود نوحه خوانی ماهر و شاعری زبر دست بود به این مکان آورده بود و حالا داشت به جوان دلداری می داد و می خواست کاری کند که با قدرت و بدون ترس از جماعت سینه زن اولین تجربه را آزمایش کند و بخواند. روی پیراهنش نوشته بود بخشی کردی زاده جمیع گردان پنج.

هر لحظه بر تعداد سینه زن و برهای سینه افزوده می شد. نوبت به ورود جوان سیاه چهره رسید، او با همان هیبت قدم در میدان تجربه نهاد و شروع به خواندن کرد. آن هم نوحه محرم و از ساخته های ناخدا عباس. در حالی که زنگی غریب در صدایش بود:

ای شیعه مگر قتل شه کرب و بلا شد
یا ماه عزا شد
یا ماتم فرزند علی شیر خدا شد
در دشت بلا شد
چون آب به روی شه لب تشنه ببستند
دل ها بشکستند
بسیار عزیزان حسین تشنه نشستند
در دشت بلا شد
از تیر جفا اصغر او غرقه به خون شد
زینب به فغان شد
این جور و ستم جمله ز اولاد زنا شد
در دشت بلا شد
یک غنچه گل بر سر دست شد مظلوم
آن کودک معصوم
مانند مه یک شبه انگشت نما شد
در دشت بلا شد
اطفال شد دین همه لرزان و گریزان
از جور لعینان
آتش به خیام حرم آل عبا شد
در دشت بلا شد
ای شیعه از چه عون و عباس و علی اکبر نا شاد
هم قاسم داماد
لب تشنه شهیدان همه در راه خدا شد
در دشت بلا شد
ای شیعه از چه ذاکر فرزند زهرا نا خدا شد
از فیض خدا شد
یا بلکه همه عالم از این غم به نوا شد
در دشت بلا شد

شاید زیر آن سقف پارچه ای نه چندان بزرگ در روستایی که آن زمان کم نام بود، سکوی پرتابی بود برای جوانی که بعدها، پایه و براساس مراسم و مناسک معروف سینه زنی بوشهری شد و آوازه اش حتی به کشورهای حاشیه خلیج فارس هم رسید. مردی با صدایی جاودان که هرگز از خاطره ها زدوده نخواهد شد.

صدای او و شباهت زیادی به اپرا خوانان بزرگ جهان داشت، اما بکر و تدوین نشده. می شد آن را با سولیست های اسپانیایی که آوازه های کولیان آن دیار را می خواندند هم ردیف و هم نوا داشت. تارهای صوتی بی مانند که بدون هیچ گونه ساختگی و فشارهای بی مورد از حنجره او بیرون می آمد و بدل می نشست.

بخشو برخلاف نوحه خوانان همدورانش که تحریر می کردند و صدا را در گلو می ساختند، به طور طبیعی تحریر در صدایش بود. حنجره ای اسطوره ای که به ندرت در تاریخ تکرار خواهد شد. او در میان ردیف سینه صلابتی بی مانند داشت، هرگز تکان نمی خورد اما با نگاهی ژرف همه چیز را زیر نظر داشت. به جرات می توان گفت که نوحه «لیلا به گفتا»ی او برای همیشه جاویدان خواهد ماند. زنگ صدای بخشو را می شد به طور آشکار در آن دید. او هم چون رهبر یک ارکستر سمفونیک در میان خیل عظیم سینه زن که گاهی تعداد آنان بالغ بر هزار نفر می شد. این نوحه را می خواند و صدای همسرایان مثل کری عظیم شنیده می شد که تمام فضای اطراف را در خود می گرفت و هم چون بادی در کوچه های پر پیچ بندر می دوید و عمق تراژیک را افزون می کرد.

بخشو نه تنها در نوحه خوانی که در شروه این نوای جانکاه جنوبی و جنگ نامه خوانی، فردوسی خوانی نیز دستی داشت و بسیار حزین می خواند، که متاسفانه به خاطر نبود سیستم صوتی قابل توجه عمومی آثار بسیار اندکی از او باقی مانده که همین بخش اندک نشان از اصالت صدا و ناب بودن حنجره مردی دارد که به درستی مورد تحلیل موسیقایی قرار نگرفته است. امید است از روی نوارهای باقی مانده، عزیزان موسیقی دان و پژوهشگران بوشهری به مایه ها و گوشه های مخصوص بخشو خوانی برسند و آن را در آرشیوهای موسیقی حفظ کرده و نت نویسی نمایند، تا هم این صدا جاویدان بماند و هم برای آینده گان و علاقه مندان موسیقی و مذهبی و دینی مورد استفاده قرار گیرد.

لازم می دانم برای ختم کلام نوحه معروف « لیلا به گفتا» ساخته و پرداخت محزون را بیاورم که هر گاه خوانده می شود حالا با صدای هر کسی بی مهابا صدای بخشو در ذهن متبادر می شود و حالت نوستالژیک پر توانی فلاش بک می کند و بغض اساطیری متبلور می شود.



لیلا به گفتا ای شه، لب تشنه کامان
دستم به دامان، آقا الامان
رودم به میدان می رود، در چنگ گرگان
از هجر اکبر، مشکل برم جان
آه واویلا، کو اکبر من
نور دو، چشمان تر من
شب ها نخفتم تا سحر، پای گهواره
تا تورا کردم، هیجده ساله
کردی امیدم نا امید، این بود خیالت
رفتی ز دنیا، شیرم حلالت
دارم امیدی از خدا، یک بار دیگر
در برم آید، نوجوان اکبر
گردم به دور قامتش، دستی به گردن
بوسم دو چشم، شهلای اکبر
ترسم بمیرم نبینم روی او دیگر
تا صف محشر نوجوان اکبر
آه واویلا، کو اکبر من
نور دو چشمان تر من

مروری بر قیام امام حسین(ع) و دوران اسارت اهل بیت

صدیقه گنج آبادی

معاویه در سال ۶۰ هجری مرد ولی قبل از مرگ، پسرش یزید را به جانشینی انتخاب کرد. امام حسین (ع) از همان ابتدا بیعت وی را نپذیرفت. یزید نامه ای به حاکم مدینه نوشت و به او دستور داد که از امام حسین (ع) برای او بیعت بگیرد و اگر حاضر نشد او را به قتل برساند. نامه یزید به عبارت دیگرخبر مرگ معاویه باید روز ۲۶ رجب به مدینه رسیده باشد. ولید، والی مدینه در همان شبی که نامه یزید مبنی بر مرگ معاویه و لزوم اخذ بیعت از حسین بن علی (ع) و عبدا... بن زبیر به دستش رسید، امام حسین(ع) را احضار کرد و خبر مگر معاویه و لزوم بیعت با یزید را با آن حضرت در میان گذاشت. امام حسین (ع) نیز دو روز پس از آن واقعه، از مدینه خارج شده و راه مکه را در پیش گرفت.خروج امام حسین(ع) از مدینه نیز با ۲۸ رجب مصادف بوده است . در این هنگام مردم کوفه که از مرگ معاویه با خبر شده بودند نامه های زیادی برای امام حسین(ع) نوشتند و از او خواستند تا به عراق و کوفه بیاید. امام حسین (ع) نیز مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد. ابتدا هزاران نفر از مردم کوفه با مسلم بن عقیل همراه شدند. اما با ورود عبید ا...پسر زیاد که از طرف یزید به حکومت کوفه گمارده شده بود و مردم کوفه را تهدید کرده بود مسلم را تنها گذاشتند. در نتیجه عبیدا...، مسلم بن عقیل را دستگیر نموده و به قتل رسانید. امام حسین (ع) با خانواده و یاران خود به طرف کوفه حرکت کرد و در نزدیکی کوفه بود که خبر پیمان شکنی مردم کوفه و قتل مسلم را آوردند. عبیدا... که بر اوضاع کوفه تسلط پیدا کرده بودن حر پسر یزید ریاحی را برای دستگیر کردن حسین و همراهانش فرستاد و سپس عمر پسر سعد را با سی هزار نفر به کربلا اعزام نمود. این امر موجب شد تا تعداد زیادی از افرادی که با امام حسین (ع) بودند او را رها کنند و تنها حدود ۷۰ تن با او باقی بمانند. عبید ا... به عمر بن سعد وعده داده بود که اگر امام حسین (ع) را به شهادت برساند او را حاکم ری خواهد کرد ولی پس از این ماجرا این کار را نکرد. امام حسین (ع) در روز دو محرم سال ۶۱ هجری قمری همراه کاروانش به کربلا رسید و پس از اطلاع از نام آن سرزمین گریه کرد و گفت:«به خدا سوگند، این زمین زمین کربلا است». سپس گفت:«این خاکی است که جبرییل از جانب پروردگار برای جدم، رسول خدا آورده و گفته است که حسین در آن مدفون می شود.»

روز عاشورا، حمله ای سراسری و شدید از سوی سپاه عمر سعد به اردوگاه امام حسین انجام گرفت. این حمله که با تیر اندازی عمر سعد به طرف اردوگاه امام حسین شروع شد، با تیرهای نیروهای سعد ادامه یافت. حسین گفت: این تیرها، پیک ها و قاصد های دشمن به سوی شماست. شمر هم به نیروهای خود دستور داد که حمله گروهی انجام دهید و افراد حسین را به کلی نابود سازید. همه گردان های سپاه کوفه در این حمله شرکت داشتند. یاران حسین هم در مقابل این هجوم سعی کردند که از خود دفاع کنند و نیمی از یاران امام (غیر از بنی هاشم) در این حمله نخست کشته شدند. عده کشته شدگان این حمله را ۴۱ نفر گفته اند. امام حسین (ع) در روز ۱۰ محرم ۶۱ هجری در کربلا به شهادت رسید. پس از آن که اهل بیت محمد (ص)، پیامبر اسلام را در کربلا کشتند، عمر بن سعد دستور داد تا سرهای آن ها را ببرند. پس از آن، سرها را بین قبایل قسمت نمود تا آنان بدین وسیله به ابن زیاد تقرب جویند. لذا قبیله کنده سیزده سر، به ریاست قیس بن اشعث کندی، قبیله هوا زن دوزاده سر، به ریاست شمر بن ذی الجوشن، تمیم هفت سر، بنی اسد شانزده سر نیز بر نیزه کرده، و در مجموع با ۷۱ سر بریده وارد کوفه شدند. خروج اهل بیت امام حسین (علیه السلام) در کربلا از کسوت اسارت در روز ۱۱ محرم صورت گرفت و آنان در ۱۲ محرم وارد کوفه شدند. اما در مورد حرکتشان به سوی شام تاریخ دقیق و یقین آوری در دسترس نیست. البته از مسلمات تاریخ است که اسرا مدتی در کوفه زندانی شدند. ابن زیاد نامه ای را به همراه راس شریف امام روانه شام نمود. زجر بن قیس جعفی در حالی که سر حسین (علیه السلام) را به همراه داشت به سوی دمشق پیشی گرفت تا این که بر یزید داخل شد و نامه ابن زیاد را به او تسلیم کرد. یزید نامه را گرفت و مقابل خود گذاشت و گفت: در نزد تو چیست؟ زجر بن قیس سر مطهر را آورد و در مقابل یزید بن معاویه در طشتی از طلا قرار داد. رفتن قاصد ابن زیاد به شام و بازگشت او قاعدتا دو هفته به طول می انجامید بنابراین زمان خروج کاروان اسرا را از کوفه پس از ۲۵ محرم قلمداد کنیم، زیرا حداقل زمان رفتن پیک به شام و بازگشتنش حدود دو هفته بود است. بر این اساس حرکت کاروان اسرا به سوی شام نمی توانسته است قبل از ۲۵ محرم باشد. واقعیت آن است که هیچ خبر یقین و معتبری در خصوص مسیر کاروان اسرا از کوفه تا شام و ترتیب که در هر محله در آن توقف کرده اند، بیتوته کرده اند یا از آن عبور کرده اند معلوم نیست و در هیچ کتاب معتبری ذکر نشده است اما با توجه به نقشه جغرافیایی منطقه و مسیرهایی که بین کوفه و شام در آن زمان براساس برخی مدارک مرسوم بوده می توان گفت که در مجموع سه راه بین کوفه و شام وجود داشته است:

مسیر اول (مسیر سلطانی)

نخستین مسیری که اخبار ضعیف و غیر مستند بر آن دلالت می کند راه سلطانی است که از شهرهایی چون تکریت، موصل، تل عفر، نصیبین، و عین الورد می گذرد. شاید علت این شهرت این باشد که در آن زمان برای رفتن از کوفه به شام اغلب از این مسیر استفاده می شد. اما باید توجه داشت که این مسیر بسیار طولانی بوده و راه های کوتاهتری نیز وجود داشته است. فاصله کوفه تا شام از مسیر سلطانی حدود ۱۵۰۰ کیلومتر بوده است باید بیش از پانزده روز به طول انجامیده باشد.

مسیر دوم(مسیر بادیه الشام)

می بایست از سختی های راه، هم چون تشنگی و گرسنگی طفلان ابا عبدا... (علیه السلام) در راه که عادتا باید با آن رو به رو می شدند یا دست کم از سوی ماموران به آن ها که در کسوت اسارت بودند تحمیل می شد شکایت می نمود، اما زینب(علیه السلام) از گذشتن از شهرها و قرار گرفتن در معرض دید مردمان به عنوان اسیر خارجی شکایت کرده و به چیز دیگری اشاره نمی کند که این خود دلیلی بر حرکت از مسیری همچون مسیر سلطانی می باشد نه مسسیر بادیه الشام.

مسیر سوم(مسیر کوفه تا شام)

راه سومی که به نظر می رسد بیش از هر راه دیگری احتمال دارد مسیر کاروان اسرا از کوفه به شام بوده باشد، مسیر ظاهرا متعارف و مرسوم بین کوفه تا شام است؛ یعنی مسیری که از ساحل غربی رود فرات و از شهرهایی چون انبار، هیت، قرقیسیا، رقه ومنطقه صفین می گذرد. ویژگی های این مسیر آن است که اولا: مسیری متعارف و مرسوم بین کوفه و شام بوده و ثانیا: نه آن قدر طولانی است که اشکال مسیر سلطانی به آن وارد باشد و نه مسیری کویری و خشک و سوزان است که چون مسیر بادیه الشام متروکه باشد و تنها در مواقع بحرانی و اضطراری ان هم توسط افرادی متبحر و مجهز یا بومی که به آن منطقه آشنا هستند پیموده شود. شواهد حاکی از آن است انتقال آنان از کوفه به شام بیش از یک هفته به درازا کشیده است ، زیرا وقتی مسیر مستقیم کوفه تا شام را پیک های تندرو یا ومیان محلی در یک هفته می پیمایند، پیمودن مسیر سلطانی که نزدیک به دوبرابر مسیر بادیه الشام است یا مسیر میانه که آن نیز از مسیر بادیه الشام بسیرا طولانی تر است باید بیشتراز آن زمان به طول انجامیده باشد. زیرا کاروان اسرا متشکل از عده ای زن و کودک بوده است و چنین کاروانی هرگز طاقت سرعت سیر، آن گونه که پیک ها با مرکب های آزموده و تندرو طی می کردند نداشته اند. در میان اقوال مربوط به میزان طاقت سرعت سیر، آن گونه که پیک ها با مرکب های آزموده و تندرو طی می کردند نداشته اند.

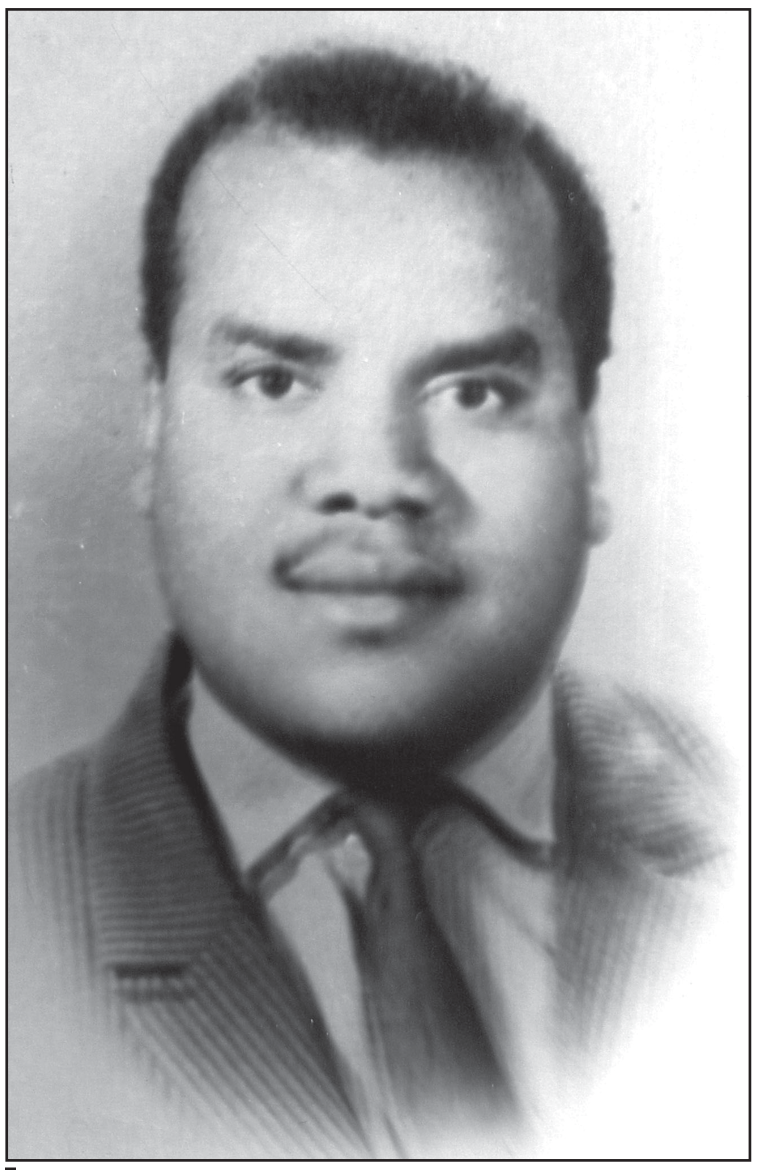
۱) توقف کاروان اسرا در شام به مدت ۸ روز

۲) قاضی نعمان توقف آنان را در مکان بی سقف به مدت یک ماه و نیم روایت می کند، علاوه بر آن ، یاد آور شده که به مدت هفت روز در خانه یزید مانده اند و به عزاداری پرداخته اند. گفته شده است که این واقعه (عزاداری در خانه یزید) به مدت ۷ روز بعد از آن بود که به مدت یک ماه و نیم در خانه ای که از از گرما و نه از سرما از آنها محافظت می کرد ماندند، تا این که صورت هایشان از گرمی آفتاب سیاه شد و پوست انداخت، و سپس آزاد شدند. محدث نوری نیز این قول را تایید کرده و اقامت اهل بیت را در خانه یزید به مدت ده روز جدای از زندانی شدن آن ها در مکان بدون سقف که از گرما و سرما حفاظت نمی کرد ، می داند. ۳) ابن طاووس نیز در اقبال الاعمال مدت اقامت آن ها را یک ماه ذکر کرده است . هم چنین مرحوم طبسی نجفی اقامت و حبس اهل بیت را در شام کمتر از یک ماه ندانسته است. یزید ابتدا با خسارت به سر مطهر سید الشهدا (علیه السلام) درمجالس متعدد و تحقیر بازماندگان امام (علیه السلام) در صدد فرو نشاندن آتش کینه و عداوت خود با ال محمد(ص) بر آمد، به آنان بی مهری کرد و انان را در مکانی نا مناسب و بدون سقف زندانی نمود، اما آن گاه که اوضاع را نا مناسب و متشنج یافت و اعتراض و نا خرسندی مردم، حتی اطرافیانش را مشاهده کرد برای جلوگیری از تنفر افکار عمومی کم کم تغییر موضع داد، اسرای آل محمد(ص) را در دربار و منزل خود اسکان نمود و امام سجاد(علیه السلام) را بر سر سفره خود نشاند و به آن ها اجازه اقامه عزاداری برای سید الشهدا و اصحاب با وفایش را داد و در مرحله اخر از امام سجاد (ع)دل جویی کرد و گناه به شهادت رساندن سید الشهدا (ع)را به گردن اب زیاد انداخته خود را از این جنایت تبرئه نمود. امام زین العابدین پس از چندی موافقت یزید را گرفت تا سرها را به بدن ها ملحق سازد و لذا سر امام حسین و سایر کشته شدگان را به کربلا برده و به اجسادشان ملحق کرد.

نسیم جنوب
ویژه بخشو
شماره ۴۸۹ یکشنبه ۵ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

بخشو؛گلبانگ سربلندی موسیقی بوشهر

حماسه ی حق پرست





پیش درآمد: ساخت اجتماعی و بافت مذهبی فرهنگ موسیقایی سامانی چون بوشهر،برجستگی های آشکار و آشنایی را در کلام،شیوه ی اجرا و حال و هوای خوانندگان این موسیقی (در این جا نوحه خوان ها) به دست می دهد. تا جایی که پیوستگی بافه های فرهنگی و امتداد و استعلام نشانه های جامعه شناختی بوشهر،در زمین و زمانی فراتر از این بندر دیرسال با حیات موسیقایی آن سخت گره می خورد و همچون شناسه و شناسنامه ای گویا و گیرا،شنیده و شناخته می شود و درست ازهمین رهگذار آیین ها و آوازهاست که بوشهرسنج و دمام،بوشهرسینه و البته بوشهر بخشو پی افکنده می شود!

بخشو؛نوحه خوانی با هیاتی منحصر به فرد در هندسه ی فرهنگی این اقلیم به شمار می آید. او در این میان تعریف و تبلوری آهنگین اما حزین دارد.چهره ی ماندگار موسیقی بوشهر که با صدای تکرار ناشدنی خود،توده ای از مردمان جامعه ی خویش را به دور خویش گرد می آورد و می خواند و در پیچاپیچ تحریرهای به هنگام و فراز و فرود نغمات به اوجشان می برد و با واگویه های ریتمیک و ملودیک خود،تاریخ را برایشان ورق می زند و از پس پشت این واخوانی مذهبی،به جنبه های درونی،احساسات و هیجانات آن ها نقبی جانانه می زند. (به باور نگارنده این رهگشایی ذهنی – موسیقایی امروزه نمودی ندارد و حالی است پایان پذیرفته!آن چه اینک شاهد آنیم حالتی است سطحی و احساسی زودگذر که در یک آن،تنها چشمکی به اصل ماجرا یعنی نمایش موزیکال این این آیین می زند!) چه در موسیقی نکته ی بسیار مهم این است که کیفیت،گستره و جنس صدا می بایست توانایی لازم را در گردش های به هنگام ملودیک و حفظ متریک آن چه خوانده می شود داشته باشد تا بتواند احساسات عمیق و تامل برانگیز شنونده(گان)را براانگیزد و بخشو از این مهم به خوبی برآمد است تا آن جا که بزرگان موسیقی ایران نیز هنر این خواننده ی مردمی را تایید کرده اند.آن چه ام در رپرتوار موسیقی مذهبی بوشهر،توجه مخاطب را بیش از هر چیز دیگری به خود جلب و جذب می نماید،فرم اجرا و شیوه ی بیان این موسیقی است که در نگاه و نگره ی هنری خود به جایگاهی استوار رسیده است و متن و محتوای موسیقی را معنایی دوچندان می بخشد.در همین مسیر،افرادی که فرم ها را به اجرا می گذارند نقش مهمی در شخصیت هنری این گونه ی موسیقی دارند.

و بخشو؛بخشایشگری بود در این راستا!او ارتباط متقابل و دوسویه ای را به بهترین شکل ممکن با بدنه ی هنری اصیل و راستین آن با افراد برقرار می نمود و با مهارت ویژه ی خود در زبان و بیان نوحه ها،کرال بی همتایی را می آفرید.

دستاورد این بده–بستان های جانانه ی سینه وصدا،در"اربعین"،ساخته ی سینماگر توانمد ایران،"ناصرتقوایی"،به وضوح هویدا و آشکار است و حالا سالخوردگان در حسرت حال و هوای آن روزگار سپری شده اند و جوانان هم با شناختی حتا اندک می توانند سره ازناسره ی این مدعا دریابند.ناگفته نماند که پرداخت موسیقایی و تراش هنری نوحه ها نیز در نوع خود در خور توجه و توضیح اند.حضور بزرگمردانی چون:"ناخدا عباس دریانورد"،"محمد شریفیان"و ...در این بین غیرقابل انکار است.ساخت نوحه هایی که روند موسیقایی مناسبی دارند و سیر نغمگی هر کدامشان گویی با اصول زیباشناختی موسیقی ملی ایران هماهنگ شده اند و بخشو در بازتاب این نغمه پردازی هاسنگ تمام می گذارد!. و یک مجموعه ی موسیقایی را جاودان می سازد. همه ی موارد گفته شده ی اما،امروزه ازبین رفته اند و قامت نوحه های جدید در نخستین گامه ی آفرینش خود یعنی حالت شناسی دستگاه ها و آوازها درمانده اند و نوحه خوان هم به خیال آن که قطعه ای جدید را به اجرا می گذارد ناگزیر،به خواندن نوحه ای ناماندگار می شود.(اگر چه گاه و به ندرت نوحه ای با نشانه هایی درخور شنیده می شود.)به هر روی بخشو،بی تردید گلبانگ سر بلندی موسیقی بوشهر است.گلبانگی که هیچ زمان خاموش نخواهد شد و سینه به سینه نقل می شود.یادش گرامی باد.



سینه ی دریایی بخشو

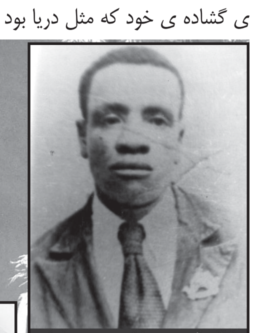
عبدالرحیم حفیظی –



اشاره: عبدالرحیم حفیظی ؛ زاده ۱۳۴۴ خورشیدی در محله ی دهدشتی بوشهر است. او که تعلق خاطر و دلبستگی همیشه ای به فرهنگ و هنر زادگاهش بوشهر و مردمان آن دارد در زمینه ی هنر عکاسی به فعالیت مشغول بوده و سال ها بدین امر مشغول است. از او خواستیم تا درباره ی بخشوی همیشه ماندگار خاطره ای را مرور کند. با هم می خوانیم:

در رابطه با مرحوم بخشو خاطرات زیادی را از دوران کودکی با خود به همراه دارم که یک از آن ها برای من بسیار زیبا و فراموش نشدنی است: زمستان ۱۳۵۴ مراسم محرم و صفر هم مثل امسال در هوایی سرد برگزار می شد. باران و بادهای سرد و استخوان سوز بوشهر هم در کوچه پس کوچه های شهر می پیچید و مردم هم طبق معمول به دنبال کاشانه ای گرم. آن هنگام۱۰ ساله بوده و در مراسم سوگواری شاهد پایین آمدن شلاقی دست ها بر سینه های عریان عزادارن حسین(ع) بودم. شدت سرما به قدری بود که مراسم در شبستان مسجد دهدشتی برگزار می شد. در آن سال ها "مصطفا گراشی" تازه نوحه خوانی را آغاز کرده بود تا در ادامه بتواند راه بخشو و پیشکسوتان این رشته را ادامه دهد و جانشین شایسته ای برای بخشو باشد. سینه زنی شروع شد و زنده یاد یوسف فرهادی مراسم اولیه را شروع نمود و به پیش خوانی سینه مشغول شد و هر چه قدر ادامه داد و منتظر شدند بخشو به موقع نیامد و به ناگزیر مصطفا گراشی نوحه را ادامه داد تا مرحله زیر واحد که شادروان بخشو از راه رسید و مرحوم فرهادی (بانی مسجد) اصرار نمود تا بخشو کار را دنبال نماید که بخشو امتناع نمود و از قطع نوحه خوانی جلوگیری کرد و گراشی به خواندن ادامه داد و زنده یاد بخشو هم چون سایرین در میان برهای سینه جای گرفت و هم پا و همراه دیگران به سینه زنی پرداخت. جالب آن که شادروان بخشو در سینه زنی هم جذبه ی خاص خود را داشت و با این کار از سینه ی گشاده ی خود که مثل دریا بود خبر می داد.



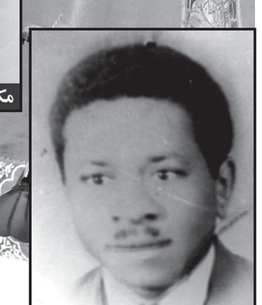


مفتاح کردی زاده پدر بخشو



مکیه کردی زاده مادر بخشو





مهدی کردی زاده برادر بخشو

مردی که زندگی اش با بخشوست!

"به پاس زحمات و کوشش های بی دریغ و صادقانه ی "محمود یوسفی"،که با تمام وجود در راه ادای دین و بازشناساندن و تاکید برجایگاه راستین جهانبخش کردی زاده در فرهنگ و موسیقی بوشهر و ایران زمین از هیچ کوششی فروگذار نمی کند."



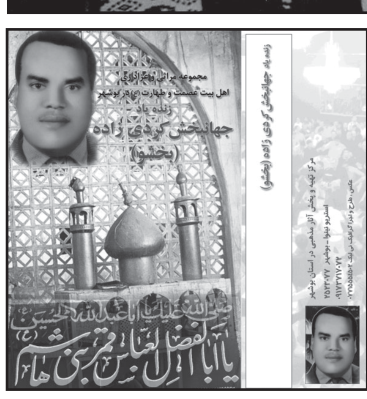
حماسه ی حق پرست – محمود یوسفی را اگر از نزدیک ببینی، با مردی روبه رو خواهی شد که در نهایت و غایت سادگی، صداقت و فروتنی دلش برای فرهنگ بوشهر صمیمانه در تش و تپش است. او در این مسیر تمام تلاش و جدیت خود را در راستای بازشناساندن چهره ای به کار گرفته است که ما بوشهری ها آن چنان و بهتر بگویم کمتر توجهی بدان نداشته ایم و بدبختانه آن که هم صنفان او (نوحه خوان ها) نیز از سرغرض یا بی تفاوتی یا عدم شناخت ریشه های این آیین و یا هر دلیل دیگری به او نپرداخته اند!

آری؛ جهانبخش کردی زاده... همان بخشوی بی تکلف ساده زیستِ مردمان کوچه و بازاراست با دلبستگی ها و پیوستگی های مذهبی و عشق به خاندانی نقش آفرین در تاریخ و پیشینه ی تشیع.

یوسفی، اما با چاپ پوسترها و بازسازی و ترمیم عکس ها و تکثیر نوارها و آثار موجود بخشو و توزیع دستی و شرکتی این اسناد، مشتاقانه وعاشقانه در این راه تلاش می کند و با ضبط و تکثیر کاستی به خوانندگی حاج عباس مفتاح و نوازندگی (نی) حمید زارعی (از شاگردان برجسته ی استاد حسن ناهید) که به مناسبت سی امین سال درگذشت بخشو به بازار عرضه شده است، کار بخشوشناسی خود را دنبال می کند. دراین کاست خواننده سعی می کند تا با بهره گیری از روش و سبک زنده یاد بخشو در آوازها و مصیبت خوانی ها با مدگردی ها به اصل متن و اجرا نزدیک شود و با پیروی از متد بخشو در تحریرها تا حد امکان هنر بخشو را برای شنونده تداعی کند! همراهی نی در این کار فضای نسبتا دلنشینی را ایجاد می کند. اما آن چه در این اثر شایان توجه و نگاه جدی است این است که خواننده و نوازنده ی این اثر موسیقایی هر دو از شهر و دیاری دیگرند.

مفتاح شیرازی با تمام ارادت و اراده ی خود کوشیده است تا عشق خود را به بخشوی بی بدیل اثبات کند و حتا بوشهری ها را متوجه حضور همیشه ی بخشو در این وادی بگرداند و این که اهالی بوشهر قدری اگر به خود آیند بد نخواهد بود!!!

وقتی به قول یوسفی عزیز در مصر، شیعیان میدانی را به نام بخشو به ثبت رسانده اند تا نماد فرهنگ مذهبی و صدای رسای ایشان در آن جامعه باشد. این در حالی است که برخی در بوشهر حتا از نام و نقش بخشو در سینه زنی بوشهر سر باز می زنند و از نصب قاب چهره ی او درمسجدی همچون دهدشتی، کوتاهی نابخشودنی می کنند و با تمام ادعای خود کمر به تحریف واقعیات تاریخی این آیین می بندند! اما زهی خیال باطل که هنر راستین و واقعی بخشو از حافظه ی تاریخ و جریده ی فرهنگ و موسیقی این دیار محو گردد.





و به راستی چرا باید این چنین باشد!؟ همواره به خود می گویم اگر نبود همت و حمیت محمود یوسفی و پیگیری های بی درنگ وی در این راه شاید ما هم این دو– سه صفحه ی نسیم را گرد نمی آوردیم و... از این رو سپاسگزار این مرد با اراده و انگیزه ایم که ما را دلگرمی و امید بود دراین مقال.

امید آن که در شناختن و شناساندن واقعیات جهان پیرامون خود بیش از پیش تلاش کنیم و یوسفی ها را الگوی خود قرار دهیم و با واکاوی و واخوانی روزگاران رفته ی خود و علم به احوال نقش آفرینان و تاثیرگذاری ایشان در خلق آفرینه های ماندگار علمی ،هنری و ادبی دوران به قضاوتی منصفانه در نشینیم.

در پایان شعری از محمود یوسفی را به مناسبت سی امین سال درگذشت بخشو می خوانیم:

زمرگت بگذرد ای دوست سی سال
شکسته مرغ دل هم پر و هم بال
محرم و صفر جای تو خالیست
به خیرش یاد با آن شور و آن حال
شیوه سینه زنی در بوشهر
برساندی تو با نوحه ی خود اوج وکمّال
بلبل نغمه سرای شه دین
گشته خاموش صدایت سی سال
چون بخواندی ز برای شه دین
سینه زن رفت بواجد از حال
به روز اربعین روی مزارت
عزاداران کنند یاد تو هر سال
نکرد با تو وفا دنیای غدار
که همچون مار باشد خوش خط و خال
زفقدان وجود نازنینت
سینه از درد شده مالامال
زبعد رفتنت ای یار جانی
به زیر بار غم دل گشته پامال
نبینیم تا ابد روی نکویت
بماند تا قیامت بر دل آمال
صوت نیکوت چو باشد به نوار
چه خوش است صوت تو، تا حشر بنال

بخشو ، آبروی موسیقی مذهبی ایران

حسن رستمیان



مقدمه : پس از حمله اعراب به ایران و سقوط پادشاهی ساسانی، جدال بین اسلام و زرتشت تا سال ها ادامه داشت و این طور نبود که در همان حمله برق آسا همه ایرانیان به دین اسلام روی آورند. مقاومت در برابر دین جدید نزدیک به دو قرن ادامه داشت تا اینکه غالب مردم به اسلام روی آوردند و اطراف و اکناف ایران تحت حاکمیت خلفای اسلامی، رنگ و بوی اسلامی گرفت. مقاومت ایرانیان در برابر دین جدید دو صورت کلی داشت. یک دسته آنهایی بودند که اساساً با اسلام میانه ای نداشتند و می خواستند به هر طریقی شده، دین اجدادی خود را حفظ کنند که کارشان حتی به درگیری نظامی با حاکمان اسلامی کشید و در نهایت کاری از پیش نبردند. دسته دوم ایرانیانی بودند که اسلام را پذیرفتند ولی حاضر نبودند عناصر ملی و قومی خود را کنار بگذارند. در نتیجه به مرور زمان تلفیقی از دینداری اسلامی با حفظ هویت ایرانی پدید آوردند. از نمونه های شاخص این حرکت می توان به تفسیر قرآن عتیق نیشابوری و مجموعه مناجات های خواجه عبدا... انصاری اشاره کرد که هر دو به زبان فارسی نگاشتند و این در حالی بود که ایشان کاملاً به زبان عربی مسلط بودند. در واقع آنها خیلی راحت مرز بین عرب بودن و مسلمان بودن را مشخص کردند و اجازه ندادند هویت ملی به بهانه دینداری مقهور فرهنگ عربی شود. سایر مقوله های فرهنگی و هنری ایران نیز همانند ادبیات آن کم کم به تلفیقی از اسلام و عناصر ملی رسیدند و به عبارتی هویتی دوگانه یافتند که موسیقی ایرانی از این قاعده جدا نبود. شکل گیری اشکال مختلف موسیقی مذهبی که در غالب موارد برخاسته از عناصر ملی و یا قومی ایرانیان هستند، گواه بر این ادعاست .

***

یکی از مشکلات عمده در زمان حاضر این است که موسیقی عبادی مذهبی ما به هیچ وجه تا به حال مورد بررسی قرار نگرفته است. ما در کشوری زندگی می کنیم که از نظر داشتن موسیقی های آیینی ، بویژه موسیقی های عبادی مذهبی در رده اول کشورهای آسیای مرکزی قرار دارد. ولی متاسفانه رده بندی موسیقی کشور به دلیل کندی حرکت کسانی که در موسیقی فعالیت می کنند، همچنان نامشخص است. این را هم باید گفت که این نوع موسیقی را مورد جفا قرار داده اند. وقتی می گویند موسیقی مناطق و نواحی ، همه یاد دوتار، دهل ، ساز و سرنا می افتند. ولی یک بخش عظیم موسیقی مناطق و نواحی شاخه عبادی مذهبی است که هیچ توجهی به آن نشده است.

یک دسته از همین موسیقی درون مردمی را اگر از شاخه عبادی مذهبی نگاه کنیم ، ذکرهایی است که می گویند. مثل تضرع ها. نوع تضرع ها را اگر از دید موسیقی نگاه کنیم، همه آنها نواهایی است موسیقیایی و آهنگین که باید مورد بررسی قرار بگیرند گرچه تا به حال کمتر به آنها پرداخته شده است.

نزدیک ۱۰هزار ذکر در ایران درحال از بین رفتن هستند و کسی به آنها توجه ندارد. این ذکرها را بعضی ها با ادوات موسیقی انجام می دهند و بعضی ها بدون آن به صورت آوازی کار می کنند.

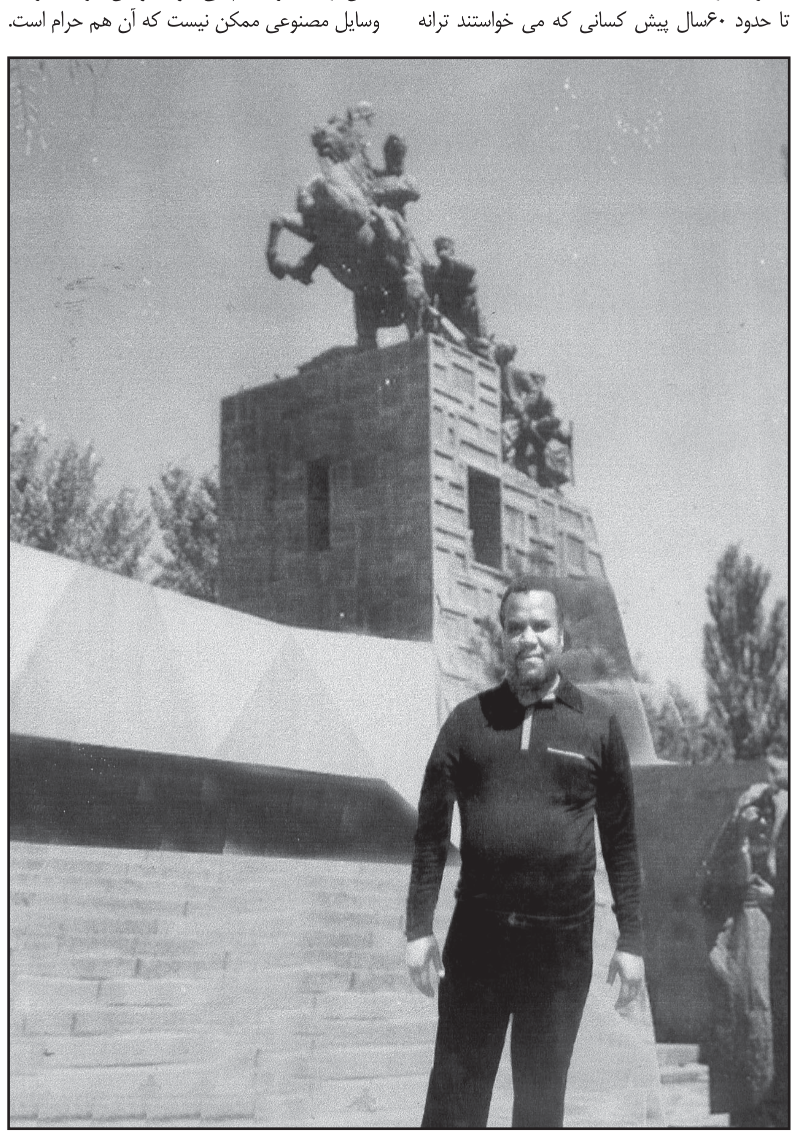
چون کلامی است که در خدمت روح است و برای رسیدن به خالق باید به گونه ای دیگر از آن حراست می شد، در گذشته مداحی این طور بوده که اگر کسی برای مداحی به جایی می رفت ، آنجا پیش خوانی داشت که او روی بام مسجد بزرگ و یا روی بام بلند خانه ای می رفت و شروع به خواندن آوازهایی می کرد که با موضوع روضه روضه خوان مرتبط بود.

در اصل پیش خوان تیترخوانی می کرد. قبل از این که روضه خوان پای منبر برود، یک نفر شروع به پای خوانی می کرد و چیزی در رابطه با آن روضه می خواند و جمع را با دم آرام و سنگینی که داشت آماده شنیدن روضه می کرد. بعد از پایان روضه طولانی ، نوحه خوان در آن فضای معنوی ، جمع را تا لحظه مقدس پیش می برد. در هنرهای عبادی مذهبی ، زمان و ساعت و لحظه مقدس بسیار مهم است.

الان کار این چند نفر را یک نفر انجام می دهد. موسیقی عبادی مذهبی مورد بی توجهی قرار گرفته است و هر کس با هر شکلی که می خواهد، با هر صدایی وارد کار شده و این به دلیل عدم نظارت است.

در گذشته تا پایان قرن ۱۱شعر، موسیقی را به دنبال خودش می کشید نه برعکس و کلام باید در ذهن شنونده شکل می گرفت ؛ اما در موسیقی جدید، فاصله ذهنی که باید بین مخاطب و موسیقی انجام شود از بین رفته است. شور در موسیقی ، موسیقی توسل است. اکثر روضه ها بر پایه شور است و لحظه های تفکری دارد.

تا حدود ۶۰سال پیش کسانی که می خواستند ترانه بخوانند از موسیقی مداحی و نوحه ها استفاده می کردند مداحی باز آفرینی یک فضا و یک وضعیت است. هیجان بیش از حد طرب هم می خواهد و این جز با تحریک وسایل مصنوعی ممکن نیست که آن هم حرام است.



یک مداح وقتی مداحی می کند، باید بداند چه چیزی را می خواهد نشان دهد. آیا بزرگی حماسه ، یا بزرگی مکان حماسه را می خواهد نشان دهد. اما این مساله برای مداحان امروزی مشخص نیست. یکی دیگر از مسائل گوشه هایی است که به کار می رود. مداح باید بداند گوشه چیست، برای چه می خواند، چیزهایی که برای بیان انتخاب می کند چیست؟ بعضی ها برای این که اشک مردم را در بیاورند، دست به هر کاری می زنند. مداح وقتی بداند چه چیزی را می خواهد ترویج کند، باید ضرباهنگ و تلفیق آن را بداند و وحدت را در کارش نشان دهد. ما همیشه فکر می کنیم کلامی که ادا می شود حتما باید روی یک نغمه سنگین ادا شود. نوحه خوان های قدیم مخصوصا در تعزیه ها از ضرباهنگ شاد استفاده می کردند؛ اما کلامشان حزن آور بود. ریتم تند بود، چون دیواره ذهنی مخاطب را در نظر می گرفتند تا شوق درونی آن قهرمان حماسه را که دارد سر به خدا می سپارد را نشان دهند. این تلفیق خیلی مهم است.

***

موسیقی ریشه ای آیینی دارد و این موضوع آنقدر آشکار است که به هر جای عالم سفر کنید، جلوه ای از آن را می بینید. از شمن ها در سیبری دور گرفته تا مذاهب مختلف خاورمیانه، هند و شرق دور و قاره آفریقا نمونه‌هایی از ذکر می شنویم که نسبت مستقیم با موسیقی دارند. از جمله در کتابهای آسمانی مثل تورات، انجیل و قرآن که موسیقایی ترین کتاب آسمانی است، همه نسبتی با موسیقی دارند. قرآن را سفارش کرده اند تلاوت شود.

ماهیت و فلسفه وجودی موسیقی مقدس و روحانی است اگر به نوع استفاده از موسیقی در تعزیه نگاه کنیم می توان گفت: در تعزیه چهره های موافق را ملاحظه می شوند که درردیف موسیقایی اظهار وجود می‌کنند. حضرت امام حسین (ع) در شور و حضرت عباس (ع) در چهارگاه و دیگر اولیاء در دستگاه‌های موسیقی آوازی ایران، مسائل و گفتنی های خود را با زبان موسیقایی بیان می کنند. ولی شمر و ابن سعد و دیگر چهره های منفی واقعه کربلا فقط کلمات را دکلمه می کنند و به قول قدیمی ها اشتلم می خوانند. چرا اینگونه است؟

برای اینکه آواز بوی آشنایی می دهد و از اشتلم خوانی بیگانگی استشمام می شود. از دکلمه بوی خروج از دین به مشام می رسد ولی آواز دلنشین، با خود نشانی از دوستی و آشنایی به همراه دارد.

***

بوشهر را غالباً به سنج و دمام می شناسند. ولی موسیقی مذهبی در این شهر به همین محدود نمی شود. نوحه خوانی بوشهری ها یک بخش مهم از موسیقی مذهبی ایرانی است که شخصیت منحصر به فردی دارد و از نظر فواصل موسیقایی هم، بسیار غنی است. بزرگ مرد موسیقی مذهبی بوشهر در حوزه آوازی آن، زنده یاد جهانبخش کردی زاده معروف به بخشو است که خوانده هایش به نوعی مرجع آوازهای مذهبی این شهر شده اند. اذان کاملاً متمایز بخشو در نوعی از فواصل شور گردش می کند که با الگوی شهری ردیف فاصله محسوسی دارد ولی بیگانه با گوش مردمان ساحل نشین خلیج فارس و نواحی زاگرس جنوبی نیست. البته در این اجرا به سبب همسایگی با اعراب، اشاره های بسیار کوچکی به موسیقی عربی می شود ولی کلیت کار همان فواصل شور محلی است که در دو استان بوشهر و فارس، بسیار آشناست.

***

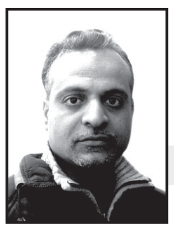
تن صدای مرحوم بخشو به گونه ای بود که بعد از خواندن در چهار محل از شهر، به هیچ وجه تغییری در آن ایجاد نمی شد و زنگ صدای ایشان گیراتر می شد و به قول احمد آرام صدای ملکوتی مرحوم جهانبخش کردی زاده هر شنونده ای را مجذوب خود می کند. هنر موسیقائی او در آن بود که بدون دیدن دوره خاص و دانش کلاسیک، به طور خود جوش و خدادادی از تکنیک دیافراگم و برون صدا در سینوس های خود بهره می جست. باشد

***

صدای بخشو ازقدرت زیادی بر خوردار بود به نظر میرسید شناخت وی از ملودی وهارمونیک خدادادی باشد تحریرهای وی بی نظیر واز همه مهمتر حزین بودن صدای او بود به قدری که دل همه محبان اهل بیت را می سوزاندودیدگان همه مستمعین را گریان میکرد.

***

منابع : ۱– هفته نامه نسیم جنوب – بوشهر (محمود یوسفی) – صدای گرم «بخشو» بس حزین بود ۲– انتشار فصلنامه ماهور ۳۷ ۳ – اظهارات علی‌معلم در نشست نغمه‌های عاشورایی ۴– بررسی نغمه‌های عاشورایی با حضور معلم و میرزمانی ۵– تجلیل از استاد صدیف در نشست ایکوم موسیقی ۶– فهرست آلبوم نغمه های آسمانی ۷– موسیقی بوشهر – از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد. ۸– هفته‌نامه نسیم جنوب، نوشتاری از سید محمدرضا بلادی ۹– /http://hooshang-samani.blogfa.com



دبیر صفحه: مهدی صالحی زاده

یادداشت دبیر صفحه

یکی از ستاره های آسمان فوتبال بوشهر
فریبرز حیدری، طارمی دیگر



1

یکی از جوان هایی که در بازی های سال جاری برای ایران جوان بوشهر در لیگ دو فوتبال ایران در خط دفاع بسیار تاثیر گذار بوده، جوان جویای نامی است به نام فریبرز حیدری. این بازیکن فرزند احمد حیدری بازیکن اسبق ایران جوان بوشهر می باشد. فریبرز در پست مدافع آخر باهوش و فداکار درخدمت تیم فعالیت می کند و از خصوصیات بارز وی خونسردی و اخلاق پسندیده اوست. حرکات حیدری یاد ایامی را به نزد فوتبالدوستان به خاطر می آورد که علی رضا طارمی در پاس بوشهر در ایران آقایی می کرد. امید است این جوان آینده دار از مسیری که در حرکت است خارج نشود.

قربانی مربی آینده دار بوشهر



2

رضا قربانی مربی تیم های فوتسال و فوتبال پیروزی بوشهر در سال جاری در چند جبهه موفق شد. وی توانست با کسب قهرمانی در فوتسال جام رمضان (اول)، فوتسال جوانان استان(اول)، فوتبال جوانان استان(اول) و فوتبال امیدهای استان (اول)، قدرت هدایت و تیم داری را به رخ بزرگان فوتبال بوشهر بکشد. رضا قربانی با این که خیلی بی ادعاست اما درکار خود بسیار خبره کاربلد است. او به جز مسایل فنی در کارهای روانشناسی به درستی جوان های که در اختیار دارد به نحوه احسن به جایگاه خوبی رسانده، یکی از نصایح خوب قربانی به شاگردانش این است که از درس و مشق غافل نباشند. در سال جاری شش نفر از فوتبالیست های قربانی به دانشگاه راه یافتند که از افتخارات تیم پیروزی و رضا قربانی است. به امید این که رضا به حق خود برسد.

اداره تعاون بوشهر تیم پیروزی را زیر پوشش مالی برد

3

چندی پیش خبر رسید که اداره کل تعاون استان بوشهر قرار است تیم فوتبال پیروزی بوشهر را زیر پوشش مالی ببرد. در این خصوص، غلام بیمکی، مدیر تیم پیروزی به خبرنگار ما گفت: با صحبت های که با آقای ملاح زاده مدیر مالی اداره تعاون داشتیم قرار بر این شد که آن ها از نظرمالی تیم های فوتبال پیروزی بوشهر را زیر پوشش مالی ببرند. بیمکی عنوان کرد که امیدوارم این عمل خیر تیم پیروزی فوتسال و فوتبال در بازی های کشوری برای بوشهر کسب افتخار نماید.

مظفری، چهره برتر بازی های روستایی



4

اسماعیل مظفری مدافع تیم فوتبال کارگر بنه گز در مسابقات فوتبال روستاییان استان بوشهر به تشخیص مربی تیم، فرهاد مشتری در نوک حمله تیمش قرار گرفت. مظفری با به ثمر رساندن پنج گل در این سری از مسابقات، چهره ی برتر بازی ها بود. این بازیکن در مسابقات لیگ دسته اول فوتبال استان کمتر به کار گرفته می شود اول هر وقت به میدان گام می نهد. خیلی مردانه و با تعصب به تیمش کمک می کند. در ضمن در پایان مسابقات فوتبال روستایی تیم پارس احمدی اول و تیم کارگر بنه گز دوم شدند.

بازی شاهین پارس و برق شیراز در شیراز

5

قرعه کشی ادامه مسابقات جام حذفی صورت گرفت و تیم شاهین پارس جنوبی که در مرحله قبل تیم قدرتمند صبا باطری تهران را در بوشهر حذف کرده بود، در این مرحله در شهر شیراز به مصاف تیم برق می رود. این مسابقه حساس در تاریخ ۲۰ اسفند ماه سال جاری در شیراز برگزار خواهد شد. امید است هواداران شاهین در شیراز به مانند بازی های قبل به تیم بوشهری را تنها نگذاشته و بازیکنان شاهین از جان مایه گذارند.

از لیگ دسته اول فوتبال استان چه خبر؟

هفته دوازدهم : کارگر بنه گز ۲ توحید صفر

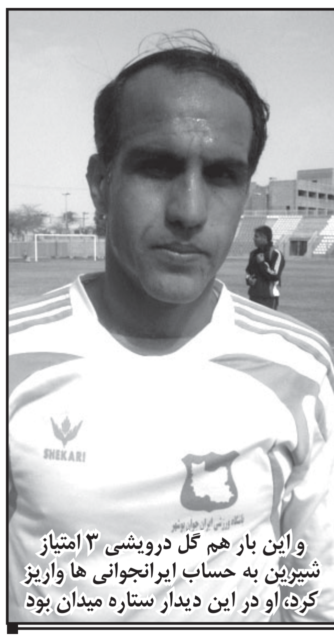
کارگر بنه گز با دو گل حمید فولادی تیم خوب توحید را شکست داد تا همچنان در صدر جدول لیگ دسته اول بوشهر باقی بماند.

ایران جوان خورموج ۱ ندسا بوشهر ۳
پرسپولیس بنه گز ۱ گاز جم ۱
بهمن برازجان ۱ امید گناوه ۱

پارچین قزوین — ایرانجوان بوشهر ۱

ایران جوان به سلامت از قزوین گذشت





و این بار هم گل درویشی ۳ امتیاز شیرین به حساب ایرانجوانی ها واریز کرد، او در این دیدار ستاره میدان بود

گل: علی رضا درویشی (۷۵)

داور: اردستانی، اخراج : سید حامد آرامی (۸۰) ایرانجوان، ستاره میدان: علیرضا درویشی

تیم پارچین قزوین با در اختیار داشتن مربی به نام محمد رضا حسینی که خیلی هم پر فیس و ادا بود، با یک گل از بوشهری های بی ادعا شکست خورد. این مربی در حین بازی چندین بار، کلمات زیبایی برای تیم ایران جوان به کار نبرد و حاضرین در ورزشگاه کوچک شمردن بازیکنان و تاکتیک سرخ پوشان بوشهر را به زبان آورد. باتجربه ایران جوانی ها در میدان که به مانند یک جوان با انگیزه در چمن فوتبال می دوید، کسی نبود جز سعید درویشی. این بازیکن با گلی که در درون دروازه قزوینی ها کاشت آنها را وادار کرد که قزوینی های خطرناک جلو بوشهر تعظیم کنند.

بوشهری ها فوتبالی با فاصله با قزوین ارایه نمودند چون با این طریق می توانستند از خطر در امان بمانند. همین حربه باعث شد که قزوین ها بسیار عصبانی شوند. کارهای پرسی در نزد پارچین های در دستور کار بود که معماری به درستی دست حریف را خواند. سربازان سرهنگ با ارسال توپ بر روی دروازه قزوین به هدف خود رسیدند. در دقیقه ۷۵ سانتر حساب شده حسن آتشی نصیب درویشی شد که قزوینی ها را مات کرد. خستگی و ترس از مصدومیت در نزد ایران جوانی ها بسیار مشهود بود. اگر این مسئله در بین آن ها وجود نداشت کیسه پارچین سنگین تر میشد. در روز بازی با نماینده قزوین زایر ابراهیمی، زارعی، امین، خالدی و حتی قوسی خوب کار کردند. اما دو نفر در بین بیست و دو نفر حاضر سرآمد همه بودند. اول فریبرز حیدری مدفع آخر ایران جوان و دیگری علی رضا درویشی جوان دیروز و با تجربه امروز سرخ پوشان بوشهر.

مس رفسنجان ۲ — شاهین پارس جنوبی ۱

در باخت شاهین، رفسنجانی ها هم گریه کردند



گل ها: امیرحسین محمدی(۱۶) و مسعود نظر زاده (۵۵) برای مس

عبد ا... کرمی (۲۹) برای شاهین پارس.

تیم مس رفسنجان در شهر خودش بوسیله یک بوشهری در ترکیب قرار گرفته یعنی مسعود نظر زاده توانست تیم شاهین پارس بوشهر را با نتیجه دو بر یک شکست دهد. متاسفانه باخت های بیرون خانه و مساوی، یک عادت بد برای شاهینی ها شده است. هر چند که مسوولین این تیم برای سفید پوشان بوشهر کم و کسری نمی گذراند، اما بعضی از حضرات حاضر در مستطیل سبز نگران ساق های نازنین خود هستند و به فکر آبروی ورزش اول این شهر نبوده و انگار در یک کشور بیگانه فوتبال بازی می کنند.

چراها زیاد است ولی از هر کسی که سوال می شود می گوید که ما روز اول گفتیم. همین آقایان که می گویند روز اول حرف ما را گوش نگرفتند فقط به فکر بستن قراردادهای مناسب برای خودشان بودند و حالا که سیاهی روزگار شاهین فرا رسیده صورت خود را سفید کرده و غافل از این که مردم بوشهر خودشان یک پا نقاش هستند.

دقیقه ۱۶ گل اول: شرح گل مس کرمان: (پاس عرضی محمد عزیزی که در پی اشتباه مدافع شاهین پارس بدست آمده بود را امیر حسین محمدی با یک بغل پای ساده به سوی دروازه شاهین نواخت که پس از برخورد با دستان هادی شفیعی درون دروازه شاهین غلطید.

دقیقه ۵۵ گل دوم: مسعود نظر زاده شرح گل (بازهم اشتباه در دفع توپ توسط شاهینی ها توپ پس از برخورد با تیر دروازه برگشت. مسعود نظر زاده با زیرکی و با یک ضربه سر به گل تبدیل کرد.

دقیقه ۲۹ تنها گل شاهین: عبدالله کرمی در یک رفت وبرگشت در جلوی محوطه هیجده قدمی مس با یک ضربه زمینی و دقیق دروزاه ابوالهیل دروازه بان مس را باز کند. ضربه سر به زیبایی در کنج دروازه مس قرار داد که داور این دیدار را اعلام خطای بازیکنان شاهین اعلام کرد که باز هم این گونه به نظر نمی رسید.

مسعود نظر زاده بازیکن تیم فوتبال مس رفسنجان:
بابت گلی که به شاهین زدم، معذرت می خواهم
سقوط شاهین به رده پایین تر، فوتبال بوشهر را به مرگ مغزی دچار خواهد کرد



این گل اصلا به دلم نچسبید. ان شاء الله که بازیکنان شاهین با تلاش بیشتر، تیم را در دسته اول نگه دارند در غیر این صورت و با سقوط شاهین به رده پایین تر، فوتبال بوشهر به مرگ مغزی دچار خواهد شد.

سه شنبه هفته گذشته تیم شاهین پارس جنوبی بوشهر میهمان تیم فوتبال مس رفسنجان بود. بوشهری ها در این بازی با نتیجه دو بر یک بازی را به مس ها واگذار کردند. گل برتری رفسنجانی ها را یک بوشهری به نام مسعود نظرزاده که بازیکن اسبق شاهین بود درون دروازه شاهین جای داد. پس از گل دوم مس، نظر زاده ، گریه امانش نداد در خصوص بازی و حواشی دیدار دو تیم، با مسعود گپ و گفتی انجام دادیم که می خوانید:

آقا مسعود سلام، کجای چه کار می کنی؟

– سلام، حالم خوبه، شما چه طور هستید، باز هم به شما که حال و احوال ما را می پرسید.

می رویم سر اصل مطلب، با گل تو، یک باخت دیگر در پرونده تیم شاهین نگاشته شد؟

– این جزئی از فوتبال است و کاریش نمی شود کرد. اما ته دلم چیزی دیگریست.

گل داریم تا گل، زدن گل آن هم به تیم مورد علاقه و گل سه امتیازی ، چه لذتی برایت دارد؟

– به خدا اصلا لذتی نداشت، چون از ته دل شاهین را دوست دارم. اگر آن توپ را گل نمی کردم حرف و حدیث ها بیشتر می شد.

می شود این طور برداشت کرد که با این گل جواب افرادی هم چون سعداوی را دادی؟

– من به این چیزها کاری ندارم فقط این را می گویم که خدای بالای سر، حق را به حقدار می دهد. بنده هیچ وقت از خدا غافل نمی شود.

داستان گریه کردنت پس از به ثمر رساندن گل چی بود؟

– ناراحتی ام از این بابت بود که دلم نمی خواست به تیمی که با نهایت وجود دوستش دارم گل بزنم، ولی شد. گریه ام از روی ناراحتی و اثبات خیلی چیزها بود.

با این اوضاع نامساعد تیم شاهین چه پیش بینی برای آن ها می کنی؟

– شاهین نسبت به روزهای اول لیگ، خیلی بهتر فوتبال را انجام می داد. یک مقدار بد شانسی و عادت کردن به باخت، این تیم را به این روز انداخته. امیدوارم با یکی دو بُرد در آینده روند بهتری پیدا کند. چون جایگاه واقعی شاهین در این جای جدول نیست.

آیا سال آینده در شاهین خواهی بود؟

– هر چه خدا بخواهد، دوست دارم در بوشهر بازی کنم. در هر صورت از خدا می خواهم که انتخاب خوبی داشته باشم.

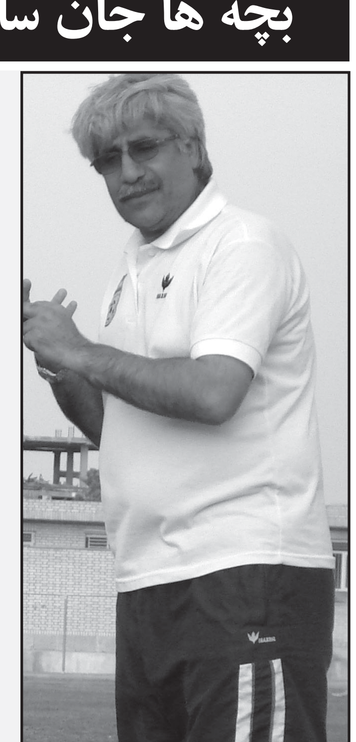
برخورد مسئولین تیم مس با شما چگونه است؟

– بدون تعارف می گویم، رفتار مسئولین رفسنجانی تیم مس با همه غیر بومی ها به خصوص ما بوشهری ها واقعا خوب است. احتراما گذشتن در تیم ما دو طرفه است.

گپ پایانی؟

– به همه شاهینی ها بگو مسعود هنوز شاهین را دوست دارد و بابت گلی که به شاهین زده از همه معذرت می خواهم، چون

حمید معماری سرمربی تیم فوتبال ایران جوان بوشهر:
بچه ها جان سالم به در بردند



– جناب معماری ضمن خسته نباشید، با توجه به این که بچه های شما خستگی بازی چند روز قبل با مخابرات شیراز در ساق هایشان مشهود بود. اما بازی را بردید.

– بله قبول دارم بازی چند روز پیش که با تیم مخابرات فارس داشتیم خیلی روی بچه ها فشار آمد و این مسئله باعث شد که تیم نتواند از یک هارمونی خوبی برخوردار باشد. خدا را شکر که توانستیم از قزوین سه امتیاز شیرین بگیریم و بچه ها جان سالم به در بردند.

– با توجه به این که چند یار جدید نسبت به بازی ها اول وارد ترکیب نمودید، باز هم مشکل هماهنگی وجود دارد؟

– مصدومیت بازیکن که رهایمان نمی کند. خالدی خوب می شود، رباعی صدمه می بیند. فلانی راه می افتد اسلام نوری مصدوم می شود. امیدواریم در آینده نزدیک با خوب شدن صدمه دیدگامان ترکیب خوب و ایده آل به دست بیاوریم.

– در ترکیب مقابل تیم پارچین، جوانی به نام حامد آرامی در ترکیب خود قرار دادید، این جوان با وجود این که اولین بازیش در لیگ بود بد کار نکرد ولی روی بی تجربه گی از زمین بازی اخراج شد در این رابطه نظرتان چیست؟

– چند روز پیش که آقای اسلام نوری تحت عمل جراحی قرار گرفت و ایشان عمل شد روی آرامی حساب باز کردیم. آرامی در چند مورد بی تجربگی کرد ولی در نهایت از او راضی هستم.

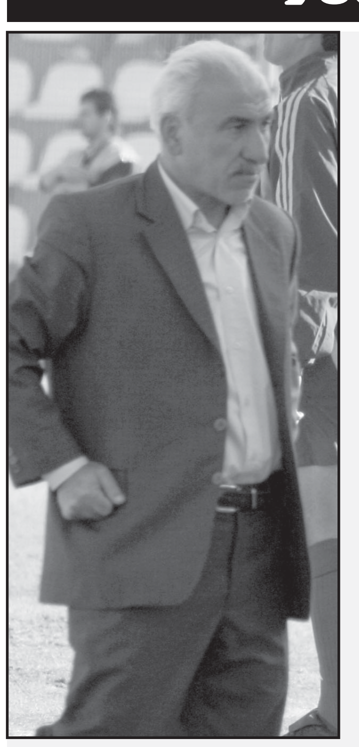
– ولی او هنوز در ترکیب جای نگرفته اخراج شد؟

– خوب چه باید کرد.

– در بازی با تیم فوتبال سرخس خراسان شمالی چه کسی در پست او قرار خواهد داد؟

– روی ولید احمدی یا رضا خدری حساب باز کرده ام و در چند روز آینده یکی از این دو را در منطقه راست دفاعی جای خواهم داد.

ایران دوست سر مربی تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی:
یک بوشهری شاهین را شکست داد!



– آقای ایران دوست باز هم شکست، چرا؟

– خوب این طبیعت فوتبال است.

– مگر خوب بازی نکردند؟

– چرا اتفاقا خوب بازی کردیم ولی اشتباه فردی در خط دفاع باعث شد که ما دو گل دریافت کنیم.

– روی گل هایی که دریافت کردید چه کسی یا کسانی در خط دفاع مقصر بودند؟

– نمی شود گفت کسی مقصر است ولی وقتی تیمی گل می خورد کل تیم در دریافت گل مقصر می باشند، در نهایت یک روی گل هایی که خوردیم تا حدود حمید محمدی اشتباه داشت.

– شما بازی یک بر صفر را یک بر یک کردید مگر توان یا قدرت آن را نداشتید که نتیجه دو بر یک را به تساوی بکشید؟

– چرا قدرتش را داشتیم و بچه ها خیلی منسجم بازی کردند در دقیقه ۸۵ مسعود ابطحی گل مساوی را درون دروازه مس رفسنجان کاشت، اما داور میدان خطای ابطحی را اعلام کرد.

– داوری را چطور دیدید؟

– باور کنید که صحنه ای که داور اظهار داشت ابطحی خطا کرده در میانه زمین رفسنجان چندین بار در زمین انجام دادند که قاضی بازی آوانتاژ داد.

– گل پیروزی تیم مس رفسنجان را یک بوشهری به نام مسعود نظرزاده به ثمر رساند.

– وا... چه بگویم بوشهری ها بوشهر را شکست دادند نه رفسنجانی ها. داداش رضا نظرزاده یعنی مسعود، گل دوم مس را به ما زد.

– سیستم شما در این بازی چگونه بود؟

– در اول کار با روش ۲-۱-۳-۴بازی کردیم و پس از این که عقب افتادیم با سیستم ۳-۳-۴ به بازی ادامه دادیم.

– یعنی می خواستید با سه مهاجم به دروازه حریف نزدیک شوید؟

– بله وی با همین سه مهاجم خطر روی دروازه حریف انجام دادیم. گل هم زدیم که داور خطا اعلام کرد.

– بازی آینده با همای تهران در بوشهر دارید؟ نوید پیروزی می دهد؟

– انشا ا... .

" روز ملی سلامت مردان "

سیاست های بهداشت و تندرستی کشور ما بر اساس تامین شرایط و امکانات ایجاد یک زندگی سالم و عاری از نقص و بیماری برای تمام گروه های گوناگون مردم اعم از زن ومرد و کلیه رده های سنی از دوان جنینی تا سالمندی قرار گرفته است.

در دهه های اخیر با توجه به حساسیت و آسیب پذیری برخی گروه ها از جمله زنان باردار و کودکان بیشتر خدمات بهداشتی متوجه این گروه ها بوده است. آنچه مهم است در نظر داشتن این نکته است که تمرکز خدمات بهداشتی بر برخی گروه های حساس و یا در معرض خطر نباید سبب غفلت از گروه های دیگر شود. در حال حاضر مردان علیرغم آنکه پیوسته گروهی به نظر می رسند که به دلیل قدرت فیزیکی بیشتر نسبت به سایر گروه ها نیاز کمتری به دریافت خدمات بهداشتی و تندرستی دارند اما به دلایل متعددی از جمله آن که بیشتر در معرض عوامل خطر ساز شغلی و محیطی و حتی فشارهای شدیدتر روحی و روانی واقع شده اند در حقیقت باید جزو گروه های آسیب پذیربشمار آیند.

طبق آمار موجود میزان حوادثی مانند سقوط از بلندی در مردان سه برابر و درسوانح ترافیکی پنج برابر بیش از زنان است. عادات مضری مانند مصرف سیگار، مصرف الکل همچنین میزان فراوانی ابتلا به چاقی و نیز عدم تحرک کافی و استرس های شغلی در مردان بیشتر است.

عوامل زمینه ساز ابتلا به بیماری های قلبی ازجمله بالا بودن فشارخون و چربی خون مردان را بیشتر درمعرض خطر قرار می دهد.

۲۱ مردان از دخانیات استفاده می کنند و میزان بروز اعتیاد در مردان ۱۰ برابر یش از زنان است.

آمار نشان می دهد که میزان مرگ و میر مردان در تمام رده های سنی بیش از زنان است و متوسط عمر آنها ۵ تا ۷ سال کمتر است.با توجه به مطالب ذکر شده به نظر می رسد زمان آن فرا رسیده تا جامعهٔ مردان به طور وسیع و همه جانبه در حیطه ارائه خدمات بهداشتی قرار گیرند.

براین مبنا اولین پنجشنبه اسفند ماه هرسال از جانب وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی به عنوان " روز ملی سلامت مردان " نامگذاری شده است. در این روز کلیه مراکز بهداشتی درمانی با توزیع مطالب آموزشی در قالب پوستر ، پمفلت و کتابچه اطلاعاتی در مورد برخی بیماریهای خاص مردان در اختیار خانواده ها قرار می دهند و نیز برخی مراکز درمانی در این روز به طور ویژه مردان مراجعه کننده را به رایگان مورد معاینه قرار می دهند.همچنین مطالب آموزشی در دبیرستانها و مراکز پیش دانشگاهی پسرانه توزیع می گردد. صدا وسیما نیز دراین روز اقدام به پخش برنامه های مرتبط می نمایند.

مسلما هدف سیاستگزاریهای بهداشتی وسعت بخشیدن به دایره ارائه خدمات و گیرندگان آن می باشد تا روزبروز بر دامنه و نیز کیفیت خدمات بهداشتی و تندرستی افزوده گردد و هر روز فاصله ما با داشتن خانواده های سالم و در نهایت جامعه ای سالم کمتر گردد.

معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر

نصرت خان تنهای تنهائی!



علیرضا حق پرست ـ حرف بیشتر ورزش نویسان نشریات بوشهر، حرف همه آنهایی است که در این فوتبال رنج برده اند، حرف همه آنهایی است که زحمت کشیدند تا فوتبال بوشهر به جایی برسد. هر انسانی که برای ساخت و ایجاد و موفقیت یک موقعیت زحمت بکشد حق دارد نسبت به تخریب آن حساس باشد. حق دارد بپرسد چرا از این سرمایه ای که با رنج فراوان به دست آمده و حالا به دست شما رسیده، درست استفاده نمی کنید. حق دارد ازدیگران بخواهد مراقب دسترنج تمامی این سالها باشند!

واقعیت این است که در فوتبال بوشهر، بیشتر آنهایی که بر مسند کار قرار می گیرند به تلاش گذشتگان و وضعیت آیندگان فکرنمی کنند. هیچ کس به این فکر نمی کند که اگر استاد عبدالمحمد زنگویی ها، غلامحسین دلاورها، عبدالمحمد پوربهی ها و بعدها بزرگانی همچون چاهیبخش ها، اقدام ، برزین ، گرانبها ، عزیز و معلم فوتبال بوشهرعلی اکبر کبگانیان نبودند حالا اصلا فوتبالی نداشتیم که رئیس و مدیر بخواهد، آن هم رئیس و مدیری که فقط ادای ریاست و مدیریت را به طور ناقص از خود نشان دهد.

نصرت خان شما با اندیشه تحول در فوتبال بوشهر وارد میدان شدید اما گویی فراموش کرده اید که یک دست صدا ندارد. آری نصرت خان تنهای، تنهائی. تا به حال به اطراف خود نگاه کرده اید یا از خود پرسیده اید پس کجایند آن ورزشکاران افتخار انگیز بوشهری؟ تا به حال از خود پرسیده اید کجایند آنانی که فوتبال بوشهر را هویتی بخشیدند؟ کجاست حمید کللی فری که به خوبی می شناسی اش. تحولی که شما در ذهن تان برای فوتبال بوشهر تصور می کنی با کمک این بزرگان انجام شدنی ست، نه کسانی که دور و بر شما را گرفته اند، نه مدیرانی که تا به حال لب به حمایت از شما نگشوده اند، نه آقای مدیری که حتی نه ایستاد تا از شما در مقابل اعتراض نا به جای تماشاگران پشتیبانی کند. هر چند صورت غمناک و نگاه پر معنی شما خود گویای همه چیز بود و به قولی تا وقتی تیم اصلی که بیرون از زمین قرار دارد مثبت عمل نمی کند، بحث در مورد کاستی های فنی تیم درون زمین بیهوده است.

امید که ارزش سرمایه های انسانی خود را در آینده بیش ازاین بدانیم و تصور نکنیم که با قدر ناشناسی نسبت به آن ها از ارج و ارزش آن ها چیزی کاسته خواهد شد .

هیچ کس نمی تواند جای کس دیگری را پر کند، در این جهان هر کس جای خود را دارد و خوشبختانه واقعیت این است که هیچ گاه نمی توان جای مردان بزرگ را به سادگی پر کرد.

نصرت خان، تقریبا تمام کسانی که فوتبال را از روی منطق دنبال می کنند نه آنهایی که تعصب کور کورانه و به حمایت از شخص خاصی سخن می گویند شما را دوست دارند و با خود گفتم خوش به حال انسانی که آدم ها اینگونه برای تنهائیش در فوتبال بوشهر ناراحت و آشفته می شوند و آنهایی که او را می شناسند این چنین به او عشق می ورزند.

ولی دوست دارم قبل از اینکه قلم را زمین بگذارم از چهره ی غمناک و نگاه سنگین شما نصرت خان که از شروع تا پایان در ذهنم نقش بسته بود بپرسم که آیا از این همه نا مهربانی خسته نیستی؟!

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- صفحه آرایی و گرافیک: میثم قیصی زاده ● عکاس خبری: عباس حیدری
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتوگرافی چاپ: کارگر



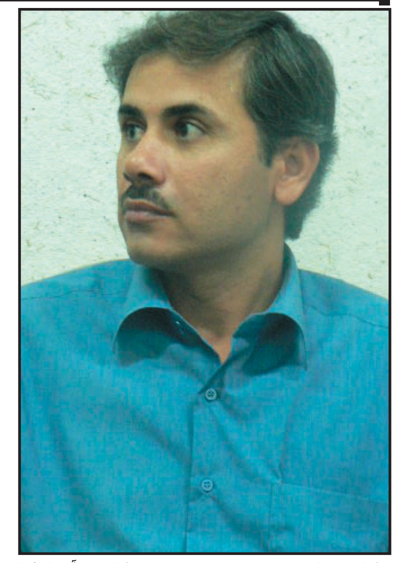
اربعین حسینی تسلیت باد

افتتاح شورای حل اختلاف مطبوعات بوشهر

در هفته گذشته خانه مطبوعات بوشهر پذیرای دو جلسه متفاوت بود. در جلسه ای که روز دوشنبه با حضور رئیس کل دادگستری بوشهر و معاونین و جمعی از روزنامه نگاران بوشهری برگزار شد، شورای حل اختلاف ویژه مطبوعات بوشهر در محل خانه مطبوعات افتتاح گردید. در جلسه ای دیگر در روز سه شنبه، روزنامه نگاران بوشهری یاد احمد بورقانی روزنامه نگار فقید ایرانی را گرامی داشتند. گزارش این دو جلسه آماده شده بود که بدلیل اختصاص ۴ صفحه از این شماره نسیم جنوب، چاپ این دو گزارش به هفته آینده موکول گردید.

بوشهر، پارس جنوبی و لابی های قدرت

دکتر پرویز حاجیانی – استاد دانشگاه



حکایت پارس جنوبی و بوشهر حکایت آشنا اما غریبی است در اینجا سعی می شود نکاتی هر چند مختصر یادآوری نمایم.

۱ – پارس جنوبی و توسعه استان: اگر چه به طور سنتی شیلات، خرما، تجارت و نفت و گاز را محورهای توسعه استان می شناسیم ولی نباید فراموش کرد که ظرفیت شیلات و خرمای استان در شرایط بهینه خود با توجه به شرایط اقلیمی، آب و هوایی و موقعیت جغرافیای استان، ظرفیتی محدود است، همچنین با نگاه موجود به تجارت، بازرگانی و مبادلات مرزی نمی توان انتظار تاثیر جهش دار تجارت در فرایند توسعه استان را داشت. در اینجاست که نقش نفت و گاز و بلاخص پارس جنوبی بیش از هر عامل دیگر در توسعه استان خود نمایی می کند. به جرات می توان گفت که پارس جنوبی بزرگترین موهبتی است که یک منطقه می تواند از آن برخوردار شود و در طول تاریخ این استان بی سابقه بوده و بی سابقه نیز باقی خواهد ماند. پارس جنوبی اگر چه یک سرمایه ملی است و درآمد زایی آن برای ایران و ایرانیان غیر قابل چشم پوشی است اما به طریق اولی می تواند و باید بتواند برای سرزمین مادری نیز نقش خود ر ا ایفا نماید. رابطه بوشهر و پارس جنوبی از نوع رابطه مادر و فرزند است. چه بخواهیم چه نخواهیم پارس جنوبی فرزند این استان است و بایستی تاحد امکان شرایط لازم را برای پیشرفت و توسعه آن فراهم نماییم ، به عبارتی وظیفه خود را به خوبی در ایجاد شرایط مناسب در پویایی پارس جنوبی به انجام برسانیم. اما پارس جنوبی نیز باید نقش خود را در توسعه استان، آنطور که شایسته این استان است انجام دهد. اگر چه معتقدیم که که باید چرخ های توسعه استان را نه بر پایه محور های سنتی بلکه بر پایه سرمایه انسانی استانمان بنا کنیم ولی نباید فراموش کرد برای رسیدن به وضعیت مطلوب در سرمایه انسانی نیاز به داشتن منابع لازم و سرمایه گذاری مناسب در عرصه سلامت و آموزش است که در این میان نقش پارس جنوبی در ایجاد زمینه مناسب به منظور تامین بستر های سخت افزاری و زیر بنا ها و کارگاهی جهت جذب سرمایه های انسانی و متخصصین و آموزشگاهی جهت ارتقاء سطح دانشی منابع انسانی استان غیر قابل چشم پوشی است. پارس جنوبی باید به عنوان موتور محرکه توسعه دانایی محور استان عمل نماید اگر استان بوشهر این فرصت ایجاد شده را به خوبی درک ننماید و زمان را از دست دهد ظلمی است که بر آیندگان و فرزندان این آب و خاک خواهد رفت و نابخشودنی است.

۲ – پارس جنوبی و تعامل با استان:

پارس جنوبی و استان بوشهر به منظور بهره گیری از توان همدیگر در رشد و بالندگی و توسعه متقابل نیاز به تعامل دارند و این تعامل باید بر بستری از منطق، برنامه و عزمی همه جانبه استوار گردد. نگاه استان بوشهر (نمایندگان استان، مدیریت ارشد و دستگاههای اجرایی) به حوزه پارس جنوبی و منطقه ویژه اقتصادی باید از نگاه پول محوری به برنامه محوری تبدیل شود. نباید در تعاملات خود به گونه ای عمل نماییم که فقط از ارتباط با پارس جنوبی به دنبال پول هستیم و همین که ما را دیدند قبل از این که سخنی به میان آید بگویند چقدر می خواهید؟ متاسفانه امروز فضای حاکم بر ارتباط ما با آنها بسیار مسموم است و این نبوده مگر در اثر اعمال و رفتار ما. چرا باید خواسته نماینده ما گرفتن بلیط هواپیما برای فلان کس و یا گرفتن توپ و لباس ورزشی برای فلان تیم باشد. چرا مدیران آموزشی ما برای خریدن جایزه ۲۰۰ هزار تومانی بایستی به آنجا مراجعه نمایند. چرا باید خرید ۵ دستگاه کامپیوتر خواسته فلان مدیر دستگاه اجرایی ما از آنها باشد . مثال هایی از این قبیل بسیار است که همه و همه حکایت امروز را رقم زده است. روشن است چنین فضایی برای تعامل نه تنها خوب نیست بلکه مخرب است. چه باید کرد؟ کمیسیون تعامل استان با پارس جنوبی شاید بهترین ایده برای شکل گیری فضای تعامل و همدلی و تحقق خواسته های طرفین بوده و یا باشد. اگر چه این کمیسیون از بدو تاسیس در زمان استاندار سابق قدم های خوبی در ارتقاء سطح تعاملی برداشت و با وقفه ای در زمان فعلی نیز فعالیتهای خوبی داشته است ولی این کمیسیون نتوانسته با توجه به ضعف ساختاری و کارکردی به نتایج شایانی دست یابد که در اینجا به چند علت اشاره می شود.

اولا ترکیب این کمیسیون صرفا ترکیبی مدیریتی و اجرایی است و تعدادی از مدیران استان و منطقه ویژه اعضای کمیسیون هستند و در این کمیسیون خلا نبود کارشناسان و صاحب نظران دانشگاهی و بخش خصوصی کاملا محسوس است. ثانیا این کمیسیون یک روند فعالیت مستمر نداشته و وقفه های فعالیتی زیادی داشته است. ثالثا خروجی فعالیت کمیسیون تاکنون منجر به تدوین یک برنامه جامع و استراتژیک نگشته که علاوه بر تعیین استراتژیها و اهداف، وظایف طرفین را در دوره های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت به خوبی روشن نماید. اگرچه براین اعتقاد هستم که بدنه کارشناسی کمیسیون تلاشهای زیادی در تدوین پروژه های مختلف انجام داده است.

دومین همایش توسعه دانایی محور استان که با تمرکز بر فرصتها و تهدید های پارس جنوبی برگزار شد، علاوه بر دستاورد های علمی شاید بتوان بزرگترین دستاورد آن را این دانست که فهمیدیم برنامه نداریم، تا آنجا که مدیران پارس جنوبی مدعی مان شدند که چرا از منابعی که ما در اختیارتان قرار داده ایم استفاده نمی کنید. در آن همایش بر همگان روشن شد که اگر طرح و برنامه داشته و پیگیر باشیم و گفتمانمان را بر کار کارشناسی استوار سازیم هیچ چیزی مانع تعاملی مثبت و سازنده بین استان و پارس جنوبی نخواهد شد. در تاکید نداشتن برنامه جا دارد اشاره نمایم که چقدر از نتایج این همایش در برنامه ها استفاده شد؟ و چقدر این همایش را جدی گرفتیم و از نتایج آن استفاده کردیم؟ آیا اصلا برنامه ای تدوین شد؟ بیایید یک برنامه استراتژیک برای تعامل با نفت و گاز در راستای رشد و بالندگی استان تهیه نماییم و در راهکار های ارائه شده در این برنامه، نقش تمامی دستگاههای اجرایی استان را از زیر بنایی و اقتصادی گرفته تا آموزشی و بهداشت و سلامت روشن نماییم و ضمن نظارت بر این برنامه از اعمال سلیقه ای و بعضا گدا مابانه دوری کنیم.

البته در یک تعامل سازنده نمی توان فقط یک طرف را دید پارس جنوبی نیز باید نقش و وظیفه خود را نسبت به استان بجا آورد. پارس جنوبی به عنوان یک پروژه ملی، طبیعی است بر محیط پیرامونی خود اثر می گذارد و بایستی در مطالعه امکان سنجی او مجموعه ای از هزینه های مستقیم و غیر مستقیم و هزینه های داخلی و پیرامونی در نظر گرفته شود. نمی توان انتظار داشت که پارس جنوبی از منابع و امکانات این استان استفاده کرده و هزینه هایی را بر این استان تحمیل نماید ولی حاضر نباشد به منظور جبران خسارتها هزینه ای را متحمل شود. درست است که از محل درآمد نفت و گاز درآمدی نصیب استان ها می شود، درست است که پارس جنوبی اشتغال زایی می کند، درست است که برای این استان آثار مفید آشکار و پنهان دارد، ولی نمی توان از نظر دور داشت که هزینه هایی چون آلوده گی های هوا، خاک، آب و صوتی و گسترش نابهنجاری های چون اعتیاد و مواد مخدر و ورود و تلاقی فرهنگ بومی و غیر بومی و عدم آمادگی فرهنگ بومی در هضم و جذب آثار و پلشتی های وارد شده، فشار بر امکانات زیر بنایی استان مانند آب، برق و جاده ها و فشار ترافیکی موجود و افزایش فشار اقتصادی و تورم بر مردم منطقه از طریق رشد سر سام آور قیمت های زمین و مسکن و مهاجرت اجباری مردم از موطن آبا و اجدادیشان و از همه مهمتر آثار زیانبار زیست محیطی نیز از دستاوردهای این پروژه برای استان بوشهر بوده است. برای مدیران پارس جنوبی و دولتمردان باید این ذهنیت را ایجاد کرد که مردم این استان اگر خواسته ای دارند گدایی نیست. بلکه حق خود را می جویند. مردم این استان نمی خواهند بوشهر به مسجد سلیمان دیگری تبدیل شود. متاسفانه چون گفتمان مردم و حاکمیت در کشور ما معمولا مبتنی بر برنامه نیست– دولت نیز در جو ایجاد شده بی تقصیر نیست– لذا اگر مردم خواسته ای دارند دولتمردان این خواسته ها را نوعی گدایی از دولت می پندارند. پاسخی که مهندس زنگنه یکی از وزیران خوب دولت خاتمی در سال ۷۹ در همایش عسلویه قطب اقتصادی انرژی ایران در مقابل خواسته های دانشجویان که مطرح کردند عسلویه مال ماست چرا به بوشهر توجه نمی شود داد و گفتند "ما با این ادبیات آشنا هستیم و هر جا می رویم مردم از ما این گونه می خواهند" در همین راستا قابل تفسیر می باشد. از این رو بایستی این ذهنیت را در دولت مردان ایجاد کرد که درست است پارس جنوبی یک منبع ملی است ولی مردم پیرامون این پروژه بواسطه تاثیرات مترتبه از این پروژه بر زیست آنها نسبت به سایر مردم این کشور ذی حق ترند و اینجاست که پارس جنوبی نیز نمی تواند خود را از این کمیسیون تعامل بی نیاز ببیند و برای اینکه وزن امنیتی خود را داشته و بیشتر نماید و بهتر بتواند از امکانات این استان بهره ببرد باید او نیز برنامه هایی برای استان داشته باشد. نتیجه اینکه هم استان و هم پارس جنوبی به برنامه استراتژیک مشترک نیاز دارند و هردو باید بر این موضوع همت گمارده و تاکید نمایند.

۳ – پارس جنوبی ، نظام قدرت و نقش ما:

پارس جنوبی پروژه ای در حد جهانی است و طبیعی است که با چنگ زدن به این پروژه و با نزدیکی و ارتباط با آن و در دست گرفتن سیاستگذاری و مدیریت بر آن می توان بسیاری از اهداف بزرگ و کوچک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را محقق ساخت. روشن است این پروژه با این ابعاد سرمایه گذاری، درآمدزایی، اشتغال زایی، تخصص زایی، نیروسازی و مدیر سازی هر کس، گروه و استانی را وسوسه می کند. اگر چه ما از پارس جنوبی خوب استفاده نکرده ایم ولی همین که خوب چشم را باز کنی نقش غیر قابل انکار آن را در اقتصاد کشور می بینیم. قرار گرفتن عسلویه ما، در مجاورت استان های هرمزگان و فارس و در کنار شهرستان های لار و لامرد نقش این پروژه را در برنامه ها و توسعه منطقه ای استانهای همجوار بیش از پیش پر رنگ تر می کند. اینجاست که مشکل استان بوشهر فقط در تعاملش با پارس جنوبی خلاصه نمی شود بلکه نوع نگاه همسایگان و توجه آنها به این پروژه نیز مشکلی بر مشکلاتش می افزاید. این مشکلات یک روز خود را در قالب یک شایعه نشان می دهد که همه انکارش می کنند حتی استاندار وقت بوشهر و روز دیگر خود را در طرح جدایی عسلویه و الحاق آن به استان فارس نشان می دهد و دیگر روز در مطالعه حوزه نفوذ پارس جنوبی و نادیده گرفتن استان بوشهر و انتقال منافع و پروژه ها به شهرستانهای استان فارس و وقتی دیگر استان فارس قطب گاز کشور می شود و زمانه ای دیگر هواپیمایی کشوری نقشه فرودگاه عسلویه را جز نقشه استان فارس می آورد و امروز نیز بر دیگری از این باغ رسیده است که باید مدیریت بر این پروژه را بومی زدایی کرد. شاید اگر در سال ۷۸ و ۷۹ برخی بحث های مربوط به عسلویه را توهم توطئه می دانستند ولی امروزه به خوبی روشن است که نه تنها موضوع توهم نیست بلکه عین خطر است. من طرف دار این قضیه نیستم که چون این پروژه در استان ماست پس مال ماست و فقط ما باید از آن استفاده کنیم ولی معتقدم که هم ما خوب از این پروژه استفاده نمی کنیم که می شود خیلی بهتر از ان استفاده کرد: برنامه بنویسیم، کمیسیون تعاملمان را فعال کنیم، استاندارمان در جلسات هیات مدیره منطقه شرکت کند، مدیریت منطقه را در بازیهای خود دخالت دهیم، نماینده گانمان یکدست در کنار همدیگر منافع استان رادر منطقه تقویت کنند و ... و هم باید همیشه بیدار بود.

سلویه موضوع کوچکی نیست لقمه بزرگی است که اگر ما هم به ساده گی از آن گذشتیم دیگران به ساده گی از آن نمی گذرند. استان فارس از قدیم الایام برای این منطقه برنامه دارد. روشن است که استان فارس به لحاظ وجود امکانات فراوان می تواند به این پروژه ملی در استان ما کمک کند و از آن استفاده نیز ببرد و با یک تعامل دوستانه و همکارانه منافع دو استان را تامین کرده و باعث پیشرفت هر دو استان شود و ما بوشهریها نیز باید بر این تفکر همکاری دوستانه اهتمام کنیم ولی متاسفانه حرف حدیث های موجود در این سالها و عملکرد استان فارس و وجود لابی قدرتمند در نظام سیاسی کشور همه مدام از توطئه خبر می دهد. نباید فراموش کرد که تبدیل شدن شهرستانهای ثروتمند لار و لامرد به استان لارستان موضوعی قدیمی است و نباید فراموش کرد که حضور فارسی ها در نظام سیاسی کشور نه تنها با ما قابل مقایسه نیست بلکه مقایسه ای مع الفارغ است. در اینجا نمی خواهم بگویم که عسلویه را از بوشهر می گیرند شاید اصلا عسلویه از نقشه جغرافیایی استان جدا نشود ولی باید بدانیم جدایی فقط پاک شدن عسلویه از نقشه نیست. اگر ارتباط عسلویه از استان قطع شد، اگر عسلویه از طریق جاده چند بانده به فارس وصل شد، اگر بیشتر حوزه نفوذ عسلویه از استان خارج شد، اگر عسلویه ارتباطات زمینی و هوایی و ریلی اش از مرکز استان قطع شد و اگر مدیریت بر عسلویه از این استان برفت در آن صورت عسلویه وصله ای ناجور برای ما خواهد بود. پس تا دیر نشده نباید زمان را از دست داد.

اولا مدیران ارشد استان مردم را امین خود بدانند و چیزی را از آنها پنهان نسازند. ثانیا باید یک همدلی و همگامی فراتر از جناح بندیهای سیاسی بین استاندار و مسئولین استان، نمایندگان مردم، ائمه جمعه، صاحبان فکر و اندیشه و نهادهای مردمی و مطبوعات حول محور عسلویه ایجاد شده و به طور هماهنگ خواسته های به حق خود را پیگیری نماییم. ثالثا ما در موضوع عسلویه به تعصب کورکورانه نیاز نداریم تعصب در هیچ چیز به ما کمک نمی کند نه تعصب بر مالکیت بر عسلویه، نه تعصب بر اینکه فقط نیروهای ما در عسلویه شاغل باشند و نه تعصب بر اینکه فقط بومی ها باید مدیران عسلویه باشند. در عوض باید منطق در گفتمان و برنامه را در صدر خواسته ها خود بنشانیم و حرفی برای گفتن داشته باشیم که در آن صورت عسلویه از آن ماست و از آن ما خواهد ماند و باید باور داشت که اگر درست عمل کنیم روزی خواهد رسید که فرزندان ما بر تل به جا مانده از تاسیسات گازی پارس علم بکارند و بزرگی و آرامش و رفاه درو نمایند.

تضعیف جایگاه رضوی، ضربه مهلکی بر پیکره مدیریت استان بوشهر در بخش نفت، گاز و پتروشیمی

دکتر رضا آذین



دکتر رضوی بعد از کمتر از ۳ سال کار به عنوان مدیر عامل منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس اکنون به یک نقطه اتکا برای متخصصین استان بوشهر مبدل شده است. بعد از سالها که استان در حسرت یک مدیر ارشد بومی در سمت های کلیدی وزارت نفت مانده بود، شاهد آمدن مدیری شد که در مدت کوتاهی توانست ارتباطات خوبی با بخش های مختلف دولتی و غیر دولتی استان ایجاد کند. این فرصتی نیست که به سادگی به دست آمده باشد ولی مثل این که قرار است به سادگی از دست برود! به عنوان کسی که در مدتی کوتاه به نمایندگی از دانشگاه خلیج فارس با ایشان همکاری دارم، شاهد تاثیر گذاری حضور دکتر رضوی در راس منطقه ویژه بر روند رو به رشو توسعه استان هستم. لذا هر گونه تحریک یا تحرک برای تضعیف جایگاه ایشان را ضربه مهلکی بر پیکره مدیریت استان بوشهر در بخش نفت، گاز و پتروشیمی می بینیم. حیف است که جایگاهها و پایگاههای مهمی همچون منطقه ویژه دچار تنگ نظری، اختلافات درونی، بازی های سیاسی و بده بستان های پشت پرده گردد. نماینده گان استان و استاندار باید در راه حمایت از شخص و موقعیت مدیرعامل منطقه ویژه به کار گیرند. فردا خیلی دیر است. در صورت عدم اقدام جدی در این راستا، از همین الان میتوان پیامدهای آن را حدس زد.

در پی پخش شایعه برکنار دکتر رضوی

مخالفت شدید با تغییر مدیرعامل بومی پارس جنوبی

هفته گذشته پخش خبر تغییر دکتر رضوی مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی، فضای مدیریتی استان را تحت تاثیر قرار داد. پخش این خبر با مخالفت وسیعی روبرو شد.

در همین زمینه «قیصر صالحی» نماینده مردم دیر، کنگان و جم در گفت و گو با پیام عسلویه اظهار داشت: خبر تغییر مدیر عامل سازمان منطقه ویژه پارس جنوبی را تعقیب می کنم و با مقامات عالی وزارت نفت به رایزنی و گفت و گو خواهم پرداخت. رییس مجمع نمایندگان استان ضمن تاکید بر حمایت از مدیران بومی در پارس جنوبی گفت: تمام تلاش اینجانب در ۴ سال نمایندگی خود حمایت از نیروهای لایق و شایسته استان بوشهر بوده است. خوشبختانه دکتر رضوی از مدیران جوان و خلاق با مدیریتی عالی و برجسته می باشد، وی تعامل خوبی با مردم بومی منطقه، نماینده این خطه و مسئولین ارشد استان و کشور داشته است و همین تعامل موجب توسعه و پیشرفت این سامان شده است.

این نماینده گفت: دلیلی ندارد مدیری موفق آن هم در آستانه انتخابات که منطقه نیاز به آرامش دارد تغییر یابد. صالحی اظهار امیدواری کرد با درایت وزیر نفت دکتر رضوی همچنان در مدیریت این سازمان باقی بماند.

همچنین نماینده دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی نیز به خبر احتمال تغییر در مدیریت پارس جنوبی واکنش نشان داد.

سید «محمد مهدی پورفاطمی» در گفتگو با «خلیج فارس» در این باره اظهار داشت: رکود موجود در پارس جنوبی به لحاظ سرمایه گذاری خارجی به دلیل سیاسیت های نظام و اعمال تحریم های بیگانگان است، اما با وجود این موضوع دکتر رضوی در مدت ۲ سال و اندی حضور در سمت مدیریت پارس جنوبی، عملکرد موفقی از خود نشان داده است. پورفاطمی ادامه داد: جای تعجب دارد که دولت به دلیل ضعف و آسیب هایی که از جاهای دیگری سر باز می کند، دنبال تغییر مدیریت یک منطقه اقتصادی است، در صورتی که با وجود تحریم های بیگانگان و مشکلات موجود، عملکرد دکتر رضوی رضایت بخش بوده است.

این نماینده خاطرنشان کرد: تمام گروههای سیاسی، نمایندگان استان و استاندار باید فارغ از تمام دیدگاههای شخصی وارد این قضیه شوند و از یک نیروی بومی که به بدنه وزارت نفت رسیده، حمایت کنند.

به گفته وی، بوشهر سال ها در آرزوی حضور یک نیروی توانمند و متخصص در وزارت نفت بوده و نباید به سادگی فرصت حضور و خدمت رسانی دکتر رضوی را از دست داد. پورفاطمی اظهار داشت: از وزارت نفت هم انتظار می رود در این تغییر و تحولات نظر نمایندگان استان و مسئولان بوشهر را جویا شود، ضمن اینکه به اعتقاد بنده جایگزینی یک نیرو از استان فارس– با وجود احترامی که به تمام متخصصین داریم– به دلیل ذهنیت های گذشته، حساسیت های خاص خود را به همراه خواهد داشت.

همچنین نمانیده دشتستان در مجلس شورای اسلامی در واکنش به خبر تغییر احتمالی دکتر رضوی گفت: این موضوع را با وزارت نفت پیگیری کردم، اما تلاشم برای تماس با وزیر نفت به جایی نرسید، در عوض معاون پارلمانی وزیر هرگونه تغییری را در مدیریت پارس جنوبی منتفی دانست. سید «عبدالمجید شجاع» در گفتگو با «خلیج فارس» ادامه داد: مروی، معاون پارلمانی وزیر نفت صبح امروز در گفتگو با بنده هرگونه تغییر و جابجایی در مدیریت پارس جنوبی را منتفی دانسته و گفته براساس اطلاعات وی قرار نیست دکتر رضوی از مدیریت پارس جنوبی تغییر کند.

وی ادامه داد: معاون وزیر نفت هم از بازتاب های اولیه خبر تغییر دکتر رضوی در استان آگاه بوده و می گفت براساس اطلاعات من قرار نیست تغییری در مدیریت پارس جنوبی رخ دهد که برخی رسانه ها در این مورد



مواردی را مطرح کرده اند.

وی ابراز امیدواری کرد: دیدگاه معاون امور استان ها و پارلمانی وزیر نفت ماجرای احتمال تغییر دکتر رضوی را پایان دهد. شجاع تاکید کرد: دکتر رضوی نیروی موثر و توانمند است و اگر وزارت نفت بخواهد به ترکیب مدیریتی این منطقه دست بزند، جای بسی تعجب دارد. به هر حال ایشان در این منطقه تجربه کسب کرده اند و نیرویی هستند که تعامل خوبی با استان دارند.

در اواخر هفته گذشته نماینده مردم کنگان دیر و جم در مجلس شورای اسلامی گفت: طبق صحبتی که با معاون پارلمانی وزیر نفت داشتم، وی برکناری مدیر عامل منطقه پارس جنوبی را یک شایعه دانست.

قیصر صالحی در گفت و گو با خبرنگار فارس در بوشهر با بیان اینکه من همواره از مدیران بومی استان حمایت می‌کنم، افزود: بنده نارضایتی مردم و مطبوعات استان را از تغییر مدیریت منطقه ویژه پارس جنوبی به معاون پارلمانی وزیر نفت اعلام کردم.

صالحی تصریح کرد: ما همواره خواستار ارتقای مقام مدیر منطقه ویژه پارس جنوبی بودیم و طبق تفاهمی هم که در ابتدای کار آقای نوذری در وزارت نفت داشتیم این در خواست را کردیم که یکی از معاونت های موثر در وزارت نفت به یک نیروی بومی در استان بوشهر داده شود.



عده ای از دانش آموزان مدرسه راهنمایی فرزانگان در ادامه ی فعالیت های فوق برنامه خود دست به انتشار نشریه ای به نام سیب سرخ زده اند. این دانش آموزان پایه دوم سعی کرده اند در این نشریه که از کیفیت خوبی برخوردار است به مسایل مختلف فرهنگی و اسلامی متناسب با سن و درس خود بپردازند. هم چنین نشریات همدل، جوانه و ترنم باران از جمله مجلات منتشر شده توسط دانش آموزان اول و سوم این مدرسه می باشد. ضمنا جا دارد از خانم مصدق زاده دبیر دینی، عربی و قرآن نیز که کار دانش آموزان را زیر نظر داشته و راهنمایی های لازم را به آن ها نموده است تشکر ویژه ای نماییم. هفته نامه نسیم جنوب به نوبه خود این تلاش و کوشش عزیزان را ارج می نهد.

